

کد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

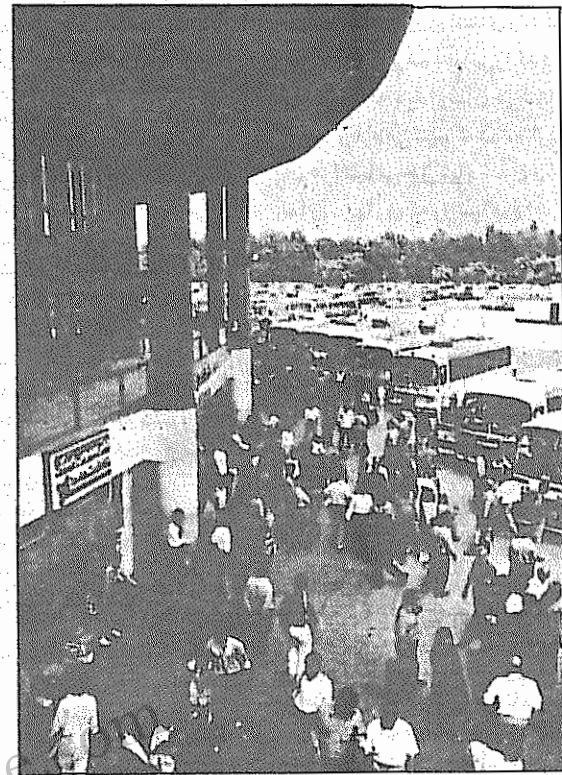
چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۷۳ - ۱۵ مارس ۱۹۹۵ - دوره سوم شماره ۱۰۴

KAR, No. 104 Wednesday 15 Mar 1995

افزایش بی وقفه قیمت هادر آستانه سال نو

- گرانی ها، سفره های هفت سین رابی روتق کرده است.
- قیمت هر کیلو گوشت ۸۰۰ تومان شد.
- نرخ مواد غذایی دو برابر شد و قیمت بلیط های مسافرتی افزایش یافت.
- از اول سال نوبهای سوخت صد درصد و هر مکالمه تلفنی ۸۰ درصد گران می شود

ایران بار دیگر هوای بهار و نوروز به خود گرفته است. خیابانها و مغازه ها شلوغ تر از همه وقت و جنب و جوش در خیابانها بیشتر از پیش است. سفره های هفت سین گشوده شده است و مردم، هریک به فراخور حال خود، می کوشند این سفره ها را رنگین تر سازند و به تاسی از طبیعت لباس نو بپوشند. میلیونها تن از هم اکنون در تدارک سفرها و دید و بازدید های نوروزی اند. فرارسیدن نوروز، فرصتی است که دیدار با کسان و خویشان و آشنا یان که غالباً بدلیل تلاش شبانه روزی برای معاش جایی برای آن نمانده است، تازه شود. کدورتی اگر هست زوده شود و دوستی ها و مهربانی ها محکمتر شود. این رسم هزاران ساله مردم ما است که در هر وضعی که هستند به استقبال بهار روند و در این روزگار، انگیزه تازه ای برای



تهران ترمینال جنوب. ازدحام مردم برای تهیه بلیط مسافرت نوروزی

۸ مارس

روز جهانی زن

گرامی باد!

صفحه ۱۱

پرسش و پاسخ

با اعضای

شورای مرکزی

سازمان

صفحه ۱۲

کنفرانس لندن:

جنبش چپ

وتحوالات آن

سخنرانی های

فرخ نگهدار

ویژن حکمت

صفحات ۱۳ و ۱۴

بهاران خجسته باد!

کار فرارسیدن نوروز باستانی را به همه هم میهنان تبریک می گوید و برای آنان در سال نو، آرزوی شادمانی، موفقیت و سربلندی دارد.

باشد، که در سال نوبه همت همه ایرانیان، جوانه های آزادی در میهن ماشکوف گردد و ایران نیز گام در راه توسعه و پیشرفت و رفاه و نیک بختی بگذارد.

مردم اعتراض می کنند

تظاهرات مردم صومعه سرا

روز دوشنبه ۱۵ اسفند ماه مردم صومعه سرا در اعتراض به گرانی دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان به مراکز دولتی و بانک حمله بردند. تظاهرات در همان روز به شهر رشت کشیده شد. مردم به حجره تجار وابسته به حکومت هجوم آوردند. مأمورین حکومتی به مقابله با تظاهر کنندگان برخاستند و عده ای از آنها را دستگیر کردند.

تظاهرات کارکنان

بیمارستان میثاقیه تهران

دههاتن از پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان میثاقیه تهران (مصطفی خمینی) روز هفتم اسفند ماه در برابر ساختمان اصلی این بیمارستان دست به تظاهرات زدند و علیه سیاست های رژیم به اعتراض برخاستند.

به موجب گزارش حزب ملت ایران، تظاهر کنندگان که با استقبال مردم کوچه و بازار و پرورنده بودند، نسبت به دستور جدید سازمان امور استخدامی کشور که بر پایه آن حقوق و مزایای کارکنان بیمارستانهای کشور کاسته خواهد شد، اعتراض داشتند.

تظاهرات در بابل

مسابقه فوتبال در بابل نیز به تظاهرات علیه رژیم انجامید. در این مسابقه که روز ۱۵ اسفند ماه برگزار

ادامه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی در سازمان ملل مجدداً محکوم شد

سازمان ملل قرار گرفت، به موارد گسترده نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی، از جمله شکنجه، سرکوب و پیگرد افراد به علل مذهبی اشاره کرده است. گالیندوپل همچنین جمهوری اسلامی را به خاطر شمارش از حد اعدام ها مورد انتقاد قرار داده است. طبق این گزارش، گالیندوپل خبر انجام ۶۳ مورد اعدام در سال ۱۹۹۴ را دریافت کرده است. در این گزارش، نماینده سازمان ملل از وضع مجازات اعدام برای جرایم اقتصادی نیز انتقاد کرده است.

گالیندوپل از سال ۱۹۸۶ گزارش هایی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه می کند. قبلاً جمهوری اسلامی به وی ویزای ورود می داد اما پس از آنکه رژیم،

ادامه در صفحه ۲

مقایسه با سال گذشته ۵ رأی بیشتر کسب کرد. این ۳۴ رأی بار است که رژیم ولایت فقیه توسط یک ارگان سازمان ملل محکوم می شود. در قطعنامه مصوب هفته گذشته نسبت به "آمار کماکان بالای اعدام ها، موارد شکنجه و رفتار و مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیر آمیز و نیز اعمال تزییقات در مورد پیروان مذاهب بهایی و مسیحی عمیقاً ابراز نگرانی شده است.

بخشهایی از گزارش

گالیندوپل گزارشگر سازمان ملل

گالیندوپل مأمور ویژه سازمان ملل در امر وضعیت حقوق بشر در ایران، در گزارش جدید خود نیز که اخیراً مورد تأیید مجمع عمومی

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ماه جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر، از جمله شکنجه و افراط در صدور احکام اعدام محکوم کرد. قطعنامه کمیسیون، با ۲۸ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع به تصویب رسید. کمیسیون حقوق بشر، که عالی ترین ارگان دیپلماتیک سازمان ملل در امور حقوق بشر است، همچنین نگرانی عمیق خود را بابت فتوای قتل تهران علیه سلمان رشدی اعلام کرد.

کمیسیون حقوق بشر که در آن ۵۳ کشور عضویت دارند، جمهوری اسلامی را هر سال محکوم کرده است، اما نکته برجسته در رأی گیری امسال این بود که قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی در

ماهنامه تکا پوهم توقیف شد

نامه در تکا پوچاپ گزارش هیئت جمع آوری امضا در شماره ۱۳ این نشریه است. متن کامل نامه نشریه را برای اولین بار بود که در داخل کشور منتشر می شد. تکا پو که طرف دوسال اخیر بخاطر گرانی و کمبود کاغذ تنها ۱۳ شماره از آن انتشار یافته است، در هفته های اخیر مورد حملات شدید و افترا ناه روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان بوده است.

گردانندگان حکومت مدتی است به بهانه های مختلف و به تدریج نشریات مستقل و روزنامه های منتقد را تعطیل می کنند.

نشریه مستقل تکا پو توقیف شد. وزارت ارشاد جلوه چاپ شماره جدید این نشریه را گرفت و پرونده آن را به دادگاه فرستاد. دستاویز وزارت ارشاد ظاهر درج شعری از رضا پراهنی در آخرین شماره این نشریه است. در این شعر از زبان زنبور عمل به برخی از جنبه های حیات این زیستمنده اشاره شده و تلویحاً به مسائل و روندهای اجتماعی و انسانی پرداخته شده است.

اما به گفته آگاهان، مسئله اصلی در ناراضی رژیم از شرکت فعال نشریه تکا پو سردبیر آن در تنظیم و انتشار نامه ۱۳۴ تن از نویسندگان و هنرمندان و همچنین انتشار همین

فراخوان سازمان

عفوین الملل

برای نجات جان

دوزندانی

سازمان عفوین الملل در بولتنی که روز ۲۸ بهمن ماه انتشار یافت، خواهان اقدام عاجل برای نجات جان دوزندانی جمهوری اسلامی که خطر شکنجه و اعدام آنها را تهدید می کند شد. این زندانیان، عبارتند از ملا احمد خضری، ۲۹ ساله، و مجید سولدوزی، ۳۸ ساله، که احتمالاً در زندان ارومیه به سر

ادامه در صفحه ۲

آئین کهن که کهنه نمی شود

نوروز قدمتی چند هزار ساله دارد، پیشینه ای کهن تر از کیش زردشت و ریشه ای ژرف تر از تاریخ مدون ما، در اعماق ناشناخته اساطیر.

آئینی است کهن که کهنه نمی شود. و پس از چند هزار سال، به رغم تکثیر هزار و چند صد ساله، همچنان سرسبز و تناور، بر جای مانده است.

ضایعات یورش اعراب به ایران جبران ناپذیر بود، ویرانی شهرها، کشتار و غارت مردم، کتابسوزان های دردناک و دریغ انگیز. در پی این تهاجم، عرصه بر آئین ها و باورهای مردم نیز تنگ شد. ایرانیان، در سده های یکم و دوم هجری، بویژه در دوران خلافت بنی امیه، ناگزیر بودند - در صورت حفظ معتقدات دینی شان - جزیه ای سنگین بپردازند. خلفای بنی امیه البته، به تداوم غارت بیش از ترویج دین مایل بودند و به رغم تعصب عربی و تحقیر ایرانیان، بر مسلمان شدن مردم مغلوب چندان اصرار نداشتند، که مبادا در آمد دستگاه خلافت از محل جزیه کاهش یابد.

تداوم فشار اقتصادی ناشی از پرداخت جزیه، پایندی علنی به دین و آئین های پیشین را دشوار تر و گرایش به اسلام (نوع اسلام ایرانی شده) را تسهیل کرد. گرایشی که آمیزه ای از اسلام و باورهای ایرانیان بود. مبارزه مردم در حمایت از عباسیان و سرنگونی بنی امیه، جلوه ای آشکار از گرایش استقلال طلبانه ایرانیان علیه اسلام مبتنی بر تعصب عربی بود.

در عباسیان نیز این تعصب البته بر جای بود. اما نیاز آنان به ایرانیان در اداره امپراطوری اسلامی و نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت، بر این تعصب مهار می زد.

با سلطه ترکان غزنوی بر ایران - که بویژه در عرصه شرع سرسپرده خلقای بغداد بودند - نقش ایرانیان در دستگاه خلافت تضعیف شد و تعصب عربی عباسیان فروتنی گرفت. از سوی دیگر با تحکیم قدرت عباسیان و تقویت نفوذ فقهای حنبلی و مالکی، اسلام، بتدریج به دستگاه دینی مدون و جامد بدل شد. بدین ترتیب، دستگاه خلافت بغداد، از اواخر قرن چهارم هجری، کانون و گره گاه تعصب عربی و تعصب مذهبی شد.

آتش تنگ نظری و تعصب، دیگر باره دامن آئین های غیر اسلامی را گرفت. و آتش آوران این بار نه تنها اعراب که فقها و متشرعین ایرانی نیز بودند. امام محمد غزالی، مدرس نظامیه بغداد، در کتاب معروف "کیمیای سعادت"، بر ضرورت منسوخ شدن نوروز و سده فتوی می دهد و می گوید: "شمشیر و سپر جوین فروشند برای نوروز و بوق سفالین برای سده. و از این چیزها بعضی حرام است و بعضی مکروه... نوروز باید که مندرس شود و کسی نام آن نبرد.

و برای آنکه منسوخ شود و نام آن بر زبان کسی نیاید، به تشبیهات خام

ادامه در صفحه ۲

فروش تکنولوژی هسته‌ای

وسیله‌ای برای اهداف استراتژیک مسکو و واشنگتن

معامله هیچ تهدید و یا خطر نظامی در پی ندارد و ما متقاعد شده ایم فروش این راکتورها به ایران، خطری در آینده برای منطقه ایجاد نمی‌کند. روس‌ها معتقدند نیروگاه‌هایی که در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد استفاده نظامی ندارد و راکتورهای آن شبیه راکتورهای است که آمریکا وعده فروش آن را به کره شمالی داده است.

در حالی که آمریکا تلاش می‌کند روسیه را از اجرای قرارداد تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر بازدارد، مسکو اعلام کرد قصد دارد به همکاری هسته‌ای خود با تهران ادامه دهد و دو کشور در آینده نزدیک قرارداد تازه‌ای را امضا خواهند کرد.

بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت نیروی روسیه، هدف مسکو از قرارداد جدید احداث ۳ راکتور هسته‌ای دیگر در بوشهر است. بنابر اظهارات وی طرفین برای ایجاد یک کارخانه شیرین کردن آب دریا از طریق یک راکتور توافق کرده‌اند. آمریکا تا کنون در تلاش‌های خود برای جلوگیری از همکاری هسته‌ای میان روسیه و جمهوری اسلامی به اهدافش دست نیافته است. عدم توفیق دولت کلینتون به متقاعد ساختن مسکو به قطع همکاری با جمهوری اسلامی باعث شده است که در مجلس سنای کنگره آمریکا نمایندگان این کشور از دولت بخواهند بر تلاش‌های خود بیفزایند و در صورت لزوم پرداخت کمک مالی به مسکو را قطع کند. مبلغی که قرار است در صورت تصویب کنگره به عنوان کمک مالی به روسیه اعطا شود ۲۶۹ میلیون دلار است. رئیس کنگره آمریکا از حزب جمهوریخواه، روز چهارشنبه سوم اسفند در مصاحبه با روزنامه واشنگتن تایمز تاکید کرد: دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای برای آمریکا غیرقابل تحمل است و در صورت ادامه همکاری هسته‌ای روسیه با جمهوری اسلامی باید کمک‌های آمریکا به روسیه قطع شود.

در درگیری میان واشنگتن و مسکو، مطبوعات روسیه با استناد به تناقض سیاست خارجی آمریکا نوشتند که واشنگتن بر خلاف جنجال تبلیغاتی صلح طلبانه اش نگران توسعه سلاح‌های هسته‌ای نیست و هدف آن جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه در ایران است. ستاره سرخ روزنامه چاپ مسکو نوشت: آمریکا همیشه منافع خود را در ایران مد نظر داشته و همچنان به عنوان یک ذخیره به آن می‌نگرد. این کشور حضور خود را در این منطقه، یک امر عادی دانسته و به روسیه اجازه نمی‌دهد که حتی تمایل به نفوذ در آنجا داشته باشد.

آمریکای مدعی است که جمهوری اسلامی قادر است با پلوتونیوم حاصل بمب اتمی بسازد و کنترل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی مانع عمده‌ای جهت دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای نخواهد بود. اما مقامات روسیه می‌گویند این

سخنگوی وزارت انرژی اتمی روسیه در گفتگویی با خبرنگار «ایتار تاس» در باره علت اصرار آمریکا بر قطع همکاری هسته‌ای روسیه با جمهوری اسلامی گفت: آنها بلافاصله پس از لغو قرارداد ایران و روسیه همانگونه که در مورد

آمریکای مدعی است که جمهوری اسلامی قادر است با پلوتونیوم حاصل بمب اتمی بسازد و کنترل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی مانع عمده‌ای جهت دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای نخواهد بود. اما مقامات روسیه می‌گویند این

ولایتی: با حامیان رشدی رابطه عادی نخواهیم داشت

در حالی که وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌کوشد در خارج از ایران به طرف‌های صحبت غربی خود القا کند فتوای قتل سلمان رشدی «کاری است که شده» و از دست دیپلمات‌های «متمدن» حکومت آخوندی دیگر کاری ساخته نیست، علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برخی رسانه‌های غربی او را به عنوان «میانه رو» و «معقول» نامی زدند، هفته گذشته اظهاراتی داشت که بهتر است طرف‌های گفتگوی او قبل از اینکه با او سر یک میز بنشینند، آن را بخوانند.

ولایتی که در مصاحبه با روزنامه «ایران» ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی سخن می‌گفت، اظهار داشت حمایت کشورهای غربی از سلمان رشدی، در کشورهای اسلامی به «انزجار» از غرب دامن می‌زند و چشم انداز روابط دوستانه این کشورها با غرب را تخریب می‌کند. این سخنان ولایتی در پاسخ به موضع گیری داگلاس هرد وزیر خارجه بریتانیا بود که گفته است تا وقتی جمهوری اسلامی از تغییر رویه خود در مورد رشدی سرباز می‌زند، لندن روابط خود را با تهران عادی نخواهد کرد. در مقابل این سخنان، ولایتی گفت عکس قضیه نیز صادق است، و جمهوری اسلامی هرگز به کشوری که از اهانت کننده به اسلام حمایت کند، روی نخواهد آورد. وی افزود حامیان رشدی فرصت بهبود روابط را نه تنها با جمهوری اسلامی، بلکه با سایر کشورهای اسلامی از دست خواهند داد.

کره شمالی عمل کردند و روسیه را از صحته بیرون راندند، خودشان اقدام به امضای قرارداد با ایران خواهند کرد.

رویدادهای ورزشی

غیبت برادران خادم در مسابقات کشتی آزاد جهان

نیمه فروردین سال ۷۴ مسابقات کشتی آزاد جهان در آمریکا برگزار می‌شود. برای شرکت در مسابقات کشتی آزاد ۳۲ کشتی گیر به اردوی آمادگی که در ورزشگاه آزادی برگزار می‌شود، دعوت شده‌اند. در جعبه کشتی گیران امیررضا خادم و رسول خادم غایب هستند. امیررضا خادم کاپیتان تیم ملی کشتی آزاد ایران است. روزنامه اطلاعات علت عدم حضور برادران خادم را به نقل از محمد رضا طالقانی، عدم آمادگی وی و آسیب دیدگی رسول خادم توصیف کرد.

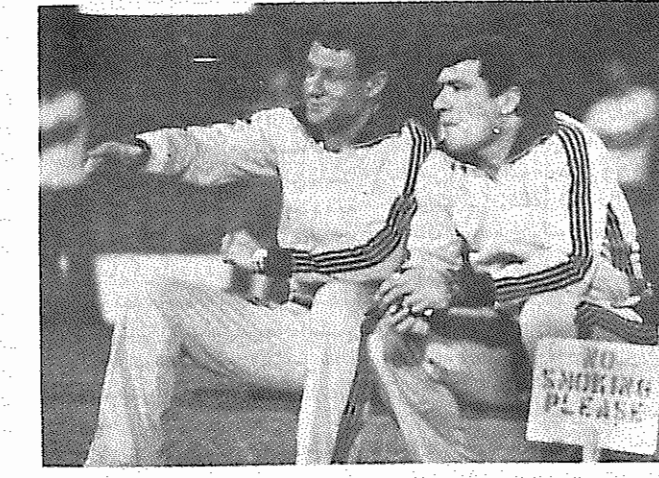
کشتی گیران فرنگی ایران در بلغارستان دوم شدند

۳۳ مدال طلا و یک نقره حاصل بیکار کشتی گیران ایران در جام نیکا پتروف در بلغارستان بود. کشتی گیران ایران در این مسابقات در رده بندی پایانی در مقام دوم جای گرفتند. در وزن ۴۸ کیلوگرم محسن سوریان، ۵۲ کیلوگرم حمید صمدی و ۱۰۰ کیلوگرم ایوب نامرادی مدال طلا کسب کردند. محسن نادری خرم به مدال نقره دست یافت.

حسن حبیبی سرمربی تیم ملی فوتبال شد

کارآموز مربیگری انتخاب شد. مربی ۶۵ ساله تیم ملی ایران پیش از این نیز یکبار مسئولیت تیم ملی فوتبال ایران را در مسابقات جام ملت‌های آسیا در کویت که همزمان با آغاز جنگ بین ایران و عراق برگزار شد، عهده دار بوده است. در مسابقات، کویت ایران به مقام سوم آسیا دست یافت. او قبل از پذیرش مسئولیت اخیر مربی تیم آرارات تهران بود. بهمن صالح نیا، همایون شاهرخی و جلال چراغپور به عنوان دستیاران وی و مربیان تیم‌های ملی امید و بزرگسالان ایران منصوب شدند.

حسن حبیبی از سوی فدراسیون فوتبال به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال انتخاب شد. او سال‌های متعددی سمت کاپیتان تیم ملی و پاس تهران را بعهده داشت. تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۹۶۸ با کاپیتان وی به مقام اول جام ملت‌های آسیا دست یافت. حبیبی پس از خداحافظی از فوتبال به عنوان بازیکن فعالیت خود را در مقام مربی ادامه داد و با تیم پاس تهران دوبار قهرمان ایران شد. در اوایل دهه ۵۰ حبیبی در کلاس‌های مربیگری که زیر نظر دتمار کرامر مربی سرشناس آلمانی اداره می‌شد به عنوان بهترین



حسن حبیبی و همایون شاهرخی

کره جنوبی و ژاپن

کاندیدای میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲

کره جنوبی طی درخواستی از فیفا به طور رسمی نامزدی خود را برای میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲ اعلام کرده است. در این میان کابینه ژاپن به طور رسمی میزبانی جام جهانی ۲۰۰۲ در این کشور را به تصویب رساند. کمیته اجرایی فیفا

۱۳ تن نماز گزار کشته شدند

۱۳ تن از نماز گزاران در مصلاهی نماز جمعه رشت جان خود را از دست دادند و ۳۶ تن دیگر زخمی شدند. به نوشته روزنامه‌های کشورهای ارتباطی سیم برق در طبقه دوم ساختمان، یک لامپ گازی ترکیده و خانم‌هایی که در این طبقه مستقر بودند، به تصوراتی که بمب منفجر شده است، به سمت درهای خروجی هجوم بردند که ۱۳ تن بر اثر سقوط از پلکان و فشار جمعیت جان باختند. در این حادثه اسفبار ۱۲ زن و یک کودک کشته شدند.

بررسی علل شیوع سرطان در استان مازندران

رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی مازندران اعلام کرد که میزان شیوع سرطان معده در شرق مازندران ۲۰ برابر میزان متوسط آن در دنیا و ایران است. به گفته وی بر اساس آمار بین‌المللی میزان این نوع سرطان در دنیا و ایران ۱۰ درصد هزار است در حالی که این رقم در شرق مازندران حدود ۲۰۰ درصد هزار می‌باشد. وی شرایط اقلیمی، خاک و آب و زمینه‌های خانوادگی و ژنتیکی را از جمله عوامل شیوع سرطان مری و معده در این منطقه مطرح کرد و گفت که تحقیق برای بررسی علل شیوع این بیماری در استان مازندران آغاز خواهد شد.

خبرهای کوتاه

مشکینی مجدداً به ریاست خبرگان انتخاب شد

روزیکشنبه ۱۴ اسفند مجلس خبرگان در قم تشکیل جلسه داد. در این جلسه آیت‌الله مشکینی مجدداً به عنوان رئیس مجلس خبرگان انتخاب شد. هاشمی رفسنجانی به هنگام انتخاب مشکینی در جلسه حضور داشت. در کشمکش بر سر جانشین از اکی، آیت‌الله مشکینی مدافع مرجعیت خامنه‌ای بود.

هفته‌نامه "صبح" منتشر شد

بر شمار مطبوعات رسمی ایران، هفته‌نامه تازه‌ای افزوده شد. هفته‌نامه جدید "صبح" نام دارد و مسئولیت آن بر عهده مهدی نصیری، مسئول پیشین روزنامه کیهان چاپ تهران است. نخستین شماره "صبح" روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۷۴ چاپ خواهد شد. "صبح" یک هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. در سز مقاله پیش شماره هفته‌نامه "صبح" یادآوری شده است که رسالت "صبح" پاسداشت از آرمان‌هایی است که ریشه در اعماق فرهنگ، تاریخ و دین دارند. مهدی نصیری در دوران مسئولیت خود در روزنامه کیهان، این روزنامه را به ارگان فعال مخالفت با هر دگراندیشی بدل ساخت.

محا کمه ۳ تن به اتهام ترور کشیش میکائیلیان

روابط عمومی دادگاه انقلاب اسلامی اعلام کرد سه تن به نام‌های فرحناز انامی، مریم شهبازپور و بتول وافر روز چهارشنبه ۲۴ اسفند محا کمه خواهند شد. دادگاه انقلاب اسلامی می‌خواهد این سه تن را به اتهام ترور کشیش میکائیلیان و بمب گذاری در مشهد و قبر خمینی محا کمه کند. در گزارش سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران جمهوری اسلامی مسئول قتل کشیش میکائیلیان توصیف شده است.

استعفای آیت‌الله گیلانی از شورای نگهبان

آیت‌الله محمدی گیلانی با ارسال نامه‌ای به خامنه‌ای از عضویت در شورای نگهبان استعفا داد. به جای گیلانی، آیت‌الله محمود هاشمی منصوب شد. آیت‌الله گیلانی هنوز ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده دارد. وی از انتخاب آیت‌الله منتظری به عنوان مرجع تقلید شیعیان حمایت کرده بود.

خودکشی و کیل داد گستری

دکتر لطیف زاهدی قاضی پیشین و وکیل پایه یک داد گستری هفته گذشته خود را از طبقه هشتم کانون وکلا به زیرانداخت و جان سپرد. به نوشته روزنامه سلام، تنها روزنامه‌ای که خبر این خودکشی را در شماره روز شنبه خود منعکس کرده زاهدی هنگامی که با رد تقاضای تمدید وکالت خود مواجه شد، دست به خودکشی زد. سلام می‌نویسد کانون وکلا به دلایل سیاسی از تمدید پروانه وکالت زاهدی سرباز زده بود. در گزارش‌های غیر رسمی گفته می‌شود، پس زاهدی به دلایل سیاسی اعدام شده و دخترش نیز چند سالی را در زندان جمهوری اسلامی گذرانده است.

مراسم یادبود دکتر لطیف زاهدی روزیکشنبه ۲۱ اسفند در مسجد الجواد تهران برگزار گردید

که چندین هزار نفر از جمله شمار زیادی از وکلای داد گستری در آن شرکت داشتند.

۶ دانش آموز بر اثر آتش سوزی کشته شدند

شش تن از دانش آموزان یک مدرسه دخترانه بر اثر آتش سوزی جان خود را از دست دادند. آتش سوزی به علت واژگون شدن بخاری نفتی در دبستان غیرانتفاعی دخترانه "سوده" بوقوع پیوست. این دبستان در یک ساختمان دو طبقه واقع بود و بخاطر چوبی بودن سقف، قسمت عمده آن در آتش سوخت. این دانش آموزان در کلاس پنجم مشغول تحصیل بودند. با وجود اینکه مدارس غیرانتفاعی پول‌های کلان به عنوان شهریه از والدین دانش آموزان دریافت می‌کنند، ولی از امکانات لازم برخوردار نیستند. سوختن شش تن از دانش آموزان در آتش، نشانه‌ای از بی مسئولیتی وزارت آموزش در اعطای امتیاز به این دسته از مدارس است. تا کنون حوادث مشابه زیادی رخ داده است. چند بار اتوبوس حامل دانش آموزان تصادف و یا سقوط کرده و عده‌ای از دانش آموزان کشته شده‌اند.

قرارداد یک میلیارد دلاری جمهوری اسلامی

بایک شرکت نفتی آمریکایی

● تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر بستن قرارداد با آمریکایی ها، یک تصمیم سیاسی است

● یک سناتور جمهوریخواه اعلام کرد دست اندرکار تدوین قانونی بمنظور جلوگیری از همکاریها با جمهوری اسلامی است

انتقاد دولت آمریکا

یک روز پس از اعلام خبر توافق ایران و کونوکو، کاخ سفید واکنش از این قرارداد به عنوان امری که به پیشبرد سیاست آمریکا کمک نمی کند نام برد. در همین حال رئیس یکی از کمیته های سنای ایالات متحده گفت دست اندرکار تدوین قانونی مبنی بر منع چنین همکاری هایی با جمهوری اسلامی است. سخنگوی رئیس جمهوری آمریکا اظهار داشت طبق قوانین موجود این کشور، اما افزود این قرارداد مغایر با اصول سیاست ایالات متحده در قبال ایران است که مضمون آن را اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای تغییر رفتار در عرصه بین المللی تشکیل می دهد.

آلفونس داماتو سناتور جمهوریخواه ایالت نیویورک، قرارداد نفتی اخیرا شددید تر مورد انتقاد قرارداد و گفت کمیته امر مالی

در حالی که دولت آمریکا برای محدود کردن مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و ژاپن به این کشورها فشار وارد می آورد، هفته گذشته اعلام شد شرکت نفتی آمریکایی کونوکو که متعلق به کمپانی بزرگ دوپون است، با شرکت نفت ایران یک قرارداد یک میلیارد دلاری برای انجام عملیات اکتشاف و استخراج نفت فلات قاره در خلیج فارس بسته است. این نخستین بار است که جمهوری اسلامی، بهره برداری از منابع نفتی ایران را به یک شرکت خارجی می سپارد. منطقه ای که کونوکو در آن فعالیت خواهد کرد، جزیره سیری است. کارشناسان نفت در آمریکا انعقاد قرارداد اخیر را از دو جهت حائز اهمیت ارزیابی کردند: نخست از این لحاظ که این توافق علیرغم تشدید رویارویی سیاسی دو کشور حاصل شده، دوم اینکه ممکن است این تنها آغازی برای بستن قراردادهای مشابه بین جمهوری اسلامی و شرکت های بین المللی نفتی برای یافتن منابع جدید نفتی ایران باشد. یک کارشناس آمریکایی گفته است تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر بستن قرارداد با آمریکایی ها، یک تصمیم سیاسی است که هدف آن، نشان دادن چشم انداز مناسبات اقتصادی در شرایطی است که شاخص های سیاسی، ظاهراً در راستای چنین مناسباتی نیستند. به لحاظ فنی، انگیزه عملیات

سقوط ارزش دلار و بحران در بازارهای مالی

ارزش برابری دلار در برابر دیگر ارزهای معتبر جهان هفته گذشته به نحو فاجحی سقوط کرد و به پایین ترین میزان خود در ظرف دهه های اخیر رسید. به نظر کارشناسان اقتصادی این امر دلایل چند گانه ای دارد. بحران اقتصادی و سقوط فاحش پول ملی مکزیک یعنی کشوری که در مجاورت آمریکا واقع شده و به لحاظ اقتصادی پیوندهای تنگاتنگی با آن دارد در هفته های گذشته دولت واشنگتن را وادار ساخت که برای پیشگیری از سرایت این بحران به اقتصاد آمریکا با یک کمک ۲۰ میلیارد دلاری در جهت حل بحران مکزیک اقدام کند و بدینسان ارزی خود متحمل شود. از دیگر سروس دولت آمریکا از رهگذر سیاست های نولیبرالی دوران ریگان و بوش مقروض ترین دولت جهان به شمار می رود، امری که به نوبه خود به ضعف دلار کمک می کند. زلزله اخیر در کوبه ژاپن و خروج بخشی از ذخیره های این کشور از بانکهای آمریکا برای بازسازی منطقه یاد شده نیز نوسانات مشخصی را در سامانه بانکی آمریکا و مالاً تشدید کاهش ارزش دلار پدید آورده است. با اینهمه بنظر می رسد که دولت آمریکا چندان هم از سقوط ارزش دلار ناراضی نبوده است، زیرا چنین روندی تا میزان مشخصی به ارزان شدن صادرات آمریکا در بازارهای جهانی منجر می شود و تقاضا برای

سنای آمریکا که اوریاست آن را بر عهده دارد، به زودی مذاکراتی را برای سخت تر کردن تحریم های آمریکا علیه ایران آغاز خواهد کرد. این سناتور آمریکایی گفت با توجه به خریدهای نفتی سالانه ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلاری شرکت های آمریکایی از ایران، از تحریم هایی که ایالات متحده به دنبال اشغال سفارت این کشور در تهران وضع کرد، چیزی بیش از یک مضحکه باقی نمانده است. طبق طرح پیشنهادی داماتو، دولت آمریکا باید هرگونه مبادله تجاری و مالی بین شرکت های آمریکایی و جمهوری اسلامی را به استثنای موارد کمک انسانی ممنوع کند.

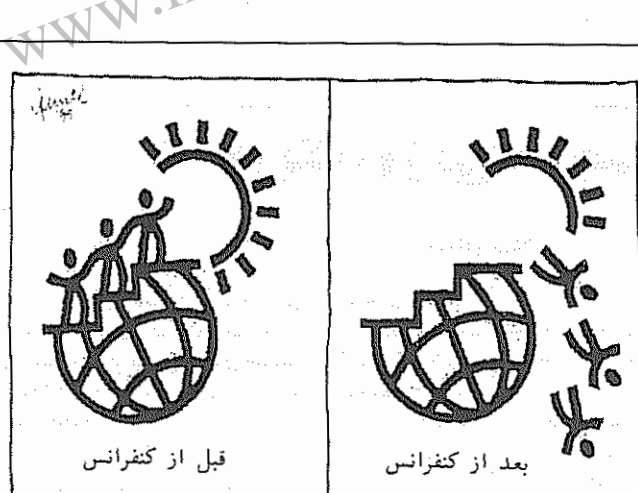
طبق آمار وزارت بازرگانی آمریکا، این کشور که سابقاً رهبر بازارها با علت داشتن رابطه اقتصادی با جمهوری اسلامی تحت فشار قرار می دهد، در سال ۱۹۹۳ به ارزش ۶۱۶ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرد. با اینکه طبق این آمار، واردات آمریکا از ایران صفر اعلام شده است، به گفته سناتور داماتو شرکت های آمریکایی حدود ۲۵ درصد تولید نفت ایران را می خرید، تصفیه می کنند و در خارج از آمریکا می فروشند. قرارداد نفتی ایران و کونوکو نیز که با شعبه هلند این شرکت بسته شده است، ظاهراً ورود نفت ایران به بازار نفت آمریکا را شامل نمی شود. شرکت کونوکومی گوید دولت کلینتون از قبل در جریان همه جزئیات قرارداد بوده است.

سیاست های اجتماعی اینک کماکان با فقر گسترده، ناآرامی و بی ثباتی اجتماعی مواجه اند. به سبب اختلاف نظرها کنفرانس نهایتاً قید الزام اجرای قرارداد ۲۰ به ۲۰ را لغو کرد و اقدام در راستای آن را به خواست داوطلبانه دولتها وانهاد. راست این است که به سبب الزامی نبودن مصوبات کنفرانس، آنها همچون توافق های سایر کنفرانس های سازمان ملل از پشتوانه حقوقی بی بهره اند و هیچ کشوری مقید به پایندی کامل به آنها نیست. از همین رو چه عملیاتی کنفرانس و چه برنامه های عملی برای رفع فقر و بیکاری و در راستای اعطای حقوق بیشتر به زنان تصویب نمود، کمک چندانی به حل مشکلات عمده جهان معاصر نخواهند کرد.

نگاهی به کنفرانس های قبلی سازمان ملل نیز نشان می دهد که فقدان مبانی حقوقی و ضمانت های عملی برای اجرای مصوبات، موجب فراموشی آنها و ادامه یافتن همان روندها و شرایط پیشین شده است. به دیگر سخن، ۴ سال پس از کنفرانس ریو تخریب محیط زیست در همان ابعاد سابق ادامه دارد، دو سال پس از کنفرانس حقوق بشر، این حقوق کماکان در بسیاری از کشورها و از جمله در کشور خودمان و یاد ترکیه و عربستان که بیشترین پیوندها را با اروپا و آمریکا دارند به شدت ترین وجه پایمال می شوند و از تأثیر توافق های کنفرانس جهانی جمعیت هم هنوز نشانه ای پدیدار نیست. اما مهم اینکه این کنفرانس ها دشواری ها و مشکلات اصلی جهان معاصر را گهگاه عمده و برجسته می کنند و بیشتر به راه درنگ و تلاش در راه رفع آنها فراموش خوانند و نیز این واقعیت که اسناد آنها قسماً دستمایه قوی تری برای کوشندگان راه عدالت و آزادی فراهم می آورد مهم و قابل اعتنا هستند و از همین رو نباید آنها را کاملاً خنثی و بی ارزش تلقی کرد.

اجلاس جهانی درباره امور اجتماعی (۱۱۵ اسفند تا ۱۲۱ اسفند / ۱۲ تا ۱۳ مارس)

اعلام مشکلات آشکار یا تلاش برای رفع آنها؟



ببخش آخر

کشورهای صنعتی انتظارشان این است که کمک های اقتصادی به کشورهای جنوب به صورت قیمت کالا های نظامی، صنعتی و خدماتی دوباره به سوی خودشان سرازیر شود و طبعاً اجرای طرح های اجتماعی و برنامه هایی که رفع محرومیت را هدف قراردادده باشند، برآورند. چنین انتظاری نیستی. از سوی دیگر پاره ای از کشورهای جنوب اختصاص چنین رقمی از بودجه خود به برنامه های اجتماعی را مانعی در راه رشد اقتصادی می دانند و بر آنند که اگر بخش عمده این رقم به امر رشد و رونق اقتصادی اختصاص داده شود در دراز مدت فرومسا ئل اجتماعی نیز حل خواهند شد. تجربه امانشان می دهد که رشد اقتصادی و توجه به تأمینات اجتماعی و فقر زدایی باید و می توانند به موازات هم پیش برده شوند، در غیر این صورت رونق و پیشرفت اقتصادی معمولاً به باز تولید و گسترش بی عدالتی ها و نابرابری ها می انجامد و بنیانها و تداوم خود را نیز به خطر می اندازد. کشوری همچون مالزی سال ۱۹۶۹ به دنبال درگیریها و خشونت های قومی، فقر زدایی را هدف مقدم سیاست های خود قرار داده و بر بودجه اجتماعی خود در این راستا به نحو چشمگیری افزود. این سیاست سبب شد که میزان فقر در این کشور ظرف ۱۵ سال از ۴۹ به ۱۶ درصد کاهش یابد و در عین حال رشد اقتصادی آن در دهه هشتاد از همه کشورهای صنعتی سریعتر باشد. این در حالی است که پاره ای از کشورهای پویه در آمریکای لاتین همچون مکزیک و برزیل نیز گرچه رشد اقتصادی قابل ملاحظه ای داشته اند، اما بخاطر بی توجهی به

گيرنده است از دیگر خواست های این کشورهاست. نکته دیگر مورد اختلاف تا کید کشورهای جنوب بر لزوم پایبندی کشورهای غربی به قول و قرار بیست سال پیش خود مبنی بر اختصاص ۰/۷ درصد تولید ناخالص ملی خود برای کمک اقتصادی به کشورهای در حال توسعه است. در حال حاضر تنها نروژ، سوئد، دانمارک و هلند به این قول عمل میکنند. تلاش سایر کشورهای غربی آن بود که این مورد، از سندهای کنفرانس کاملاً حذف شود و به انجام این کار هم موفق شدند.

قرارداد بیست به بیست نیز در هر دو جنبه مخالفان عمده ای داشت و اختلاف نظر بر سر آن کماکان لا ینحل مانده است. بر طبق این قرارداد از یکسو کشورهای صنعتی باید بیست درصد کمک های اقتصادی خود به کشورهای جنوب را صرف طرح های اجتماعی و فقر زدایی کنند و خود کشورهای جنوب نیز باید ۲۰ درصد بودجه خود را به چنین طرح هایی اختصاص دهند. بسیاری

تمدید مهلت بازپرداخت بدهی های کشورهای جهان سوم، تغییر تحول در ساختار و سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی و پیرویه قرارداد موسوم به ۲۰ به ۲۰ از جمله مسائل مورد اختلاف در میان کشورهای شمال و جنوب می باشند.

نکات مورد اختلاف

کشورهای صنعتی غرب قول داده اند که دو سوم قروض کشورهای جنوب را تمديد کنند، اما کشورهای مقروض خواهان شمول این تمديد به هشتاد درصد بدهی هایشان به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است و در وهله اول باید بازپرداخت این بدهی ها مشمول تعویق شود. کشورهای جنوب همچنین به سلطه یکجانبه کشورهای غرب در نهاد های مذکور معترضند و خواستار افزایش نقش و رای خود در تصمیم گیری آنها هستند. تغییر در سیاست های اعتباری این دو نهاد و لغو شروط آنها برای اعطای وام که بیش از همه به ضرر اقشار آسیب پذیر کشورهای وام

یکی دیگر از اثرات فاحش فقر و ناداری و بیسوادی تخریب محیط زیست است. در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا جنگلها به سرعت نابود می شوند برای اهالی کم درآمد به صورت سوخت مورد نیاز و یا چوب قابل فروش در آیند. در ایران امروز بر اثر فقر و ناآگاهی به گفته یکی از کارشناسان سازمان محیط زیست در هر ثانیه ۲۲۰ متر مربع جنگل و ۴۵۰ متر مربع از مراتع موجود روبه نابودی می رود که سیل های ویرانگر و افزایش بسامد زلزله از زیاده های آن است. در آن دسته از کشورهای در حال توسعه نیز که از رشد اقتصادی بالا بی بهره اند، محیط زیست به راحتی قربانی رشد شده است. به گونه ای که بسیاری از کارشناسان برای مثال چین را در آستانه فاجعه بزرگ زیست محیطی ارزیابی می کنند. شهرهای بزرگ کشورهای همچون اندونزی و کره جنوبی و تایوان که به برهه های آسیا مشهور شده اند نیز با مشکلات محیط زیستی بزرگ ابعادی مواجه اند و زندگی در برخی از آنها به سوی ناممکن سیر می کند. این سبب با طبیعت که در غرب نیز هنوز در ابعاد گسترده ادامه دارد به تغییر و تحولات شدید اقلیمی، طغیان سرکش رودخانه ها، تخریب اوزون جو و افزایش توالی و شدت زلزله ها انجامیده است.

سیل گسترده ای که همین چندی پیش بخشهایی از اروپا را به کام خود کشید و یا زلزله ای که ژاپن را با خسارات و ویرانی های بسیار روبرو ساخت را قسماً باید از بیامد همین بی اعتنائی به طبیعت و تخریب آن دانست، تخریبی که یا از فقر و ناآگاهی و یا از قربانی کردن همه چیز به پای رشد اقتصادی ناشی می شود.

نیاز به توافق ها و تصمیمات بین المللی

این مسائل دشوار در هم تنیده را دیگر تنها با سیاستها و تدابیر صرفاً ملی و منطقه ای نمی توان حل نمود و

محمد زهري در گذشت

محمد زهري از چهره های مطرح شعر امروز ایران و صداهای مؤثر آن در بعد از کودتای ۲۸ مرداد است که با نخستین کتابش «چیز به چه جامعه ادبی ایران معرفی می شود». اما چهره اصلی او در کتاب «گلاب» خود را به دستی می نماید و پس از آن در کتاب های «... تنمه»، «مشق در جیب»، «پیر ما گفت» و «شنامه» جا و مقام شایسته ای در شعر امروز ایران می یابد.

زهري در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در شهسوار یا به عرصه هستی گذاشت. از نخستین سالهای دبیرستان، عاطفه سیالش با دنیای شور انگیز شعریوندى خلاق می یابد. وی در مصاحبه ای که در سال ۱۳۸۴ با مجله «امید ایران» کرده است فرازهای زندگی هنری خود را بدین گونه باز می گوید: «بسیار به این دروآن دردم تا راه خود را با زیانم و به شعروی آوردم. نخستین شعرم در جهان نوجاب شد که در آن روزگار - سال ۱۳۲۹ - مجله ای دو هفته ای بود. در ذات خود، خصیصهء نوجوانی داشتم از همین رو نیما را جستجو می کردم. ابتدا شعرهای «گلچین گیلانی» برای من حلاوت بیشتری داشت اما بعدها نیما را از همه برتر دیدم. سالهاست بی هیچ ادعائی شاعرم. شعرم را به دست مردم می دهم بدین امید که مقبول افتد. در شعر به روزگار دراز با لبا آمدم. جهش در ذات من نیست. در زندگی هم همینطور. بهترین تفریح برایم گم شدن و حل شدن در انبوه خیابان است. ملاک وضابطه هائی دارم که اگر عقلی نیست احساسی است. نه می خواهم چیزی را ثابت کنم و نه می خواهم چیزی را بر ایتم ثابت کنند. حرفهای من در شعرهای من است، از آن رودخانه آب بردارید. روز و شبم در تلاش آب ودانه می گذرد. بارها آرزوی داشتن دو گاو و مزرعه ای را داشتم. باری، محمد زهري، شاعر برجسته شعر به فردا، «مردی که با هر گرمی می گرید و با هر خنده می خندید»، سرانجام روی در نقاب خاک کشید اما نام و شعرهای زلالش خود، «به فردا» ها پیوست.

به فردا

به گلگشت جوانان

یاد ما را زنده دارید ای رفیقان،

که ما در ظلمت شب،

زیر بال وحشی خفاش خون آشام،

نشاندیم این نگین صبح روشن را،

به روی پایهء انگشتر فردا

وخون ما،

به سرخی گل لاله

به گرمی لب تبادریدیل

به پاکى تن بیرنگ زاله،

ریخت بر دیوار هر کوچه و رنگی زده خاک تشنه هر کوچه

و نقشی شد به فرش سنگی میدان هر شهری... .

و این است آن پرند نرم شنگرفی،

و این است آن کل آتش فروز شمع دانی،

که در باغ بزرگ شهری خندد

و این است آن لب لعل زانای را

و پر پر می زند ارواح ما

و عشق ما ست لای برگهای هر کتابی را

شما یاران نمی دانید؛

چه تب های، تن رنجور ما را آب می کرد

چه لب های، به جای نقش خنده، داغ می شد

و چه امید هایی، در دل غرقاب خون، نابود می گردید

ولی ما دیده ایم اندر نمای دوره خود،

حصار ساکت زندان

که در خود می فشارد نغمه های زندگانى را

و رنجی کاندرون کوره خود می گذارد آه تن ها.

طلسم پاسداران فسون، هرگز نشد کارا

کسی از ما

نه پای از راه گردانید

و نه در راه دشمن گام زد

و این صبحی که می خندد به روی با ماها تان

و این نویسی که می جوشد میان جامها تان

گواه ما ست ای یاران!

گواه پایمردی های ما

گواه عزم ما،

کز زرم ها

جانانه ترشد

نویسنده سیاست



نادین گوردیمر

هنر برای هنر و یا هر چیز دیگری باشد. نویسنده به عنوان یک فرد خلاق و انسانی انگیزه مند باید آزاد گذاشته شود تا خود نیات و احساسات انسانی اش را تعبیر و تفسیر کند و درباره چگونگی باز آفرینی جامعه در هنر و فعالیت های دیگرش تصمیم بگیرد. ت. س. الیوت هم بانگ آرا بود و هم شاعر. اصلاً چرا باید سیاستمدار شدن یک نویسنده تعجب برانگیز باشد؟

وخن پست: آیا زندگی و فعالیت سیاسی نویسنده به کیفیت آفرینش ادبی او آسیب نمی رسد؟ سونیکا: اینکه آیا شرکت در فعالیت های سیاسی فردی را به نویسنده ای خوب بدل می کند، اینکه آیا چنین فردی نویسنده خوبی می ماند و بهتر یا بدتر می شود، همه مسائل هستند که پذیرندگان آثار وی باید درباره آنها داوری کنند. اما تا آنجا که به انگیزه های باز آفرینی واقعیت و دریافت های انسانی بر می گردد به نظر من هر نویسنده ای فردینی یگانه و خود ویژه دارد. من مخالف این حکم کلی هستم که نویسنده باید حتماً درگیر فعالیت و کارزارهای سیاسی و اجتماعی باشد. وقتی که من خسته ام میل دارم قطعه ای ادبی بخوانم که با سیاست و کارزار اجتماعی ربطی نداشته باشد، بلکه تنها آفاق دید مرا فراتر برده و این یا آن نحو خشنودم کند. آفرینش این گونه آثار نیز جزء لا یتفک کار نویسنده است.

گوردیمر: مسئله جنبه دیگری هم دارد. وظیفه دوگانه ای که بر دوش نویسنده گذاشته می شود، تنها به احکام جزئی و تحکم آمیزی که سونیکا به آنها اشاره کرد مربوط نمی شود، البته من هم معتقدم که باید با دید گاهی که برای ما وظیفه تعیین می کند از در مخالفت در آییم. ولی انگیزه نوشتن عمدتاً از اجتماع سرچشمه می گیرد و توله پیوسته در

گذشته یکی از یاران کنگره ملی آفریقا بوده و به رغم سفید پوست بودنش، برای لغو آپارتاید در آفریقای جنوبی چه در نویسندگی و چه در عرصه های دیگر فعالیت چشمگیر داشته است. مصاحبه را هفته نامه آلمانی وخن پست با نویسنده گان مزبور انجام داده و ما بخش هایی از آن را برای خوانندگان کار ترجمه کرده ایم.

وخن پست: خانم گوردیمر! شما اهل آفریقای جنوبی هستید و از دولت این کشور حمایت می کنید در حالی که شما آقای سونیکا مخالف حکومت کنونی نیجریه هستید، آیا این مواضع متفاوت تاثیری هم بر کار نویسندگی شما دارند؟

گوردیمر: تا چندی پیش، یعنی تا زمان لغو آپارتاید و انتخاب ماندلا به ریاست جمهوری من نیز از مخالفین دولت بودم. این نظر که نویسنده درباره بهبود و تحول مثبت اوضاع و یا در مورد تعهد مثبت خویش در قبال نظم سیاسی و اجتماعی نباید چیزی بنویسد، اشتباه و غیر واقعی است. کار ما نوشتن درباره رموز و راز و درونیات انسانها و واکنش های آنها در قبال موقعیت های مختلف است. در مورد وضعیت خودم می توانم بگویم که شرایط برایم آزاد تر و راحت تر است. سونیکا: انسانها موجودات پیچیده ای هستند، نویسندگان هم انسانند و طبعا از این ویژگی میرانستند. ما می توانستیم بنا، نجار، مامور خدمات اجتماعی و یا سیاستمدار بشویم.

سیاست را هم من یکی از مقوله های زندگی می دانم. با اینهمه با گذشتن هر نوع قید و بند بر پای نویسنده مخالفم، حال می خواهد این قید و بند استیضاح، شرکت در کارزارهای اجتماعی، آفرینش

بخت فرستادم. یک سال بعد، دختر دوم به سن شوهر کردن رسید. باز همان بساط بود و همان تنگناهای مادی. من آبرو داشتم و نمی توانستم دختر دوم را بدون جهیزیه به خانه ی شوهر بفرستم. باز یک روز زوری همین نیمکت نشستم و به اعضای دیگر بد نظرم فکر کردم. البته به اعضای که یک جفت از آنها را داشتم مثلاً به چشمم. با خودم گفتم دو تا چشم را می خواهم چکار. مگر چیز جالبی برای دیدن وجود دارد؟ برای چه این دنیای وارونه را دور بار ببینم و دوباره عذاب بکشم. هر چه صفحه ی آگهی روزنامه ها را نگاه کردم، دیدم کسی خریدار چشم نیست. خودم یک آگهی مزایده دادم در یکی از روزنامه ها چاپ کردند. روز بعد، خریداری پیدا شد و دختر دوم هم به خانه ی شوهر رفت. حالا یکی از چشمهایم شیشه ای است.

یک سال بعد، وقت شوهر کردن دختر سوم بود. همه ی درها به رویم بسته بود. نمی دانستم چه کار کنم. داشتم از غصه دق می کردم. به گوشه ای فکر کردم. گفتم یکی از آنها را می فروشم، اما کی هست که گوش بخرد؟ با نامیدی در همان پارک نشسته بودم و روزنامه ای را ورق می زدم، دیدم در صفحه آگهی ها نوشته اند: «همه گونه اعضای بدن خریدارم». انگار دنیا را به من داده

در یک روز بی همه چیز بهاری

عمران صلاحی

مهر منتشر کرده است: در بازار کتاب

۱۳۷۳ - ۴۰۸ صفحه - ۲۰ مارک
پنج مقاله - احمد کسروی
وزند گینامه احمد کسروی - بهرام چوبینه فروردین ۱۳۷۲ - ۳۶۴ صفحه - ۲۰ مارک
خاطرات یک زن توده ای - راضیه ابراهیم زاده به کوشش ویراستار: بهرام چوبینه مهر ماه ۱۳۷۳ - ۳۸۱ صفحه - ۱۸ مارک
حیدر بابا، سلام - شهربار به زبان آذری، آلمانی، فارسی مهر ماه ۱۳۷۳ - ۶۴ صفحه - ۸ مارک
فارسی اول دبستان فروردین ۱۳۷۳ - ۱۰۱ صفحه - ۱۰ مارک
فارسی دوم دبستان فروردین ۱۳۷۳ - ۱۹۹ صفحه - ۲۰ مارک
آدرس انتشارات مهر در آلمان MEHRVERLAG
Blaubach 24
50676 Koln
Tel: 0221-219090
Fax: 021-2401689

دماغم را هم نمی شد فروخت. چون از ریخت و قیافه می افتادم. زبانم را هم نمی خریدند، می گفتند تند و تیز است. به زبانی احتیاج داشتند که تملق بگوید. نمی دانید با چه مکافاتنی دختر آخری را شوهر دادم. رفت سرخانه و زندگیش. اما حالا خودم از خانه و زندگی آواره شده ام. زحم مرا به خانه راه نمی دهد و می گوید دیگر به چه امید ای با تو زندگی کنم.

در یک روز بی همه چیز بهاری

عمران صلاحی

در یک روز بی همه چیز بهاری

زنان در جهان، زنان در ایران

بیش از هشتاد سال است که جهان روز ۸ مارس را گرامی می‌دارد، روزی که نقطه عطفی در جنبش جهانی زنان و فرصتی سالانه که برای بازنگری فعالیت‌ها، مبارزات و دستاوردهای گذشته و تعیین خطوط و اهداف آتی این جنبش است.

کلا راتسکنین زن مبارز و چهره برجسته نهضت زنان و جنبش چپ آلمان سال ۱۹۱۱ با پیشنهاد این روز به عنوان روز جهانی زن بر آن بود که ظلم و اجحاف و تبعیضات جنسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی در حق زنان بیش از پیش عیان و برجسته شود و زنان به مبارزه‌ای متحدانه ترو آگاهانه تدریجاً حقوق خویش گام نهند. از آن هنگام تا کنون به یمن مبارزات زنان و نیروهای مدافع حقوق آنها هم سیمای جهان دگرگون شده و هم موقعیت زنان کمابیش تغییر یافته است. امروز دیگر جهان بیش از هر زمان دیگری به این واقعیت آگاهی دارد که بدون زنان و مشارکت فعال آنها در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و تولیدی و بدون تأمین برای زن و مرد حل مشکلات بشری در سطح ملی و چه در مقیاس بین‌المللی غیرممکن است. بی‌سبب نیست که ظرف همین یکسال اخیر در دو کنفرانس بزرگ بین‌المللی یعنی هم در کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه در قاره‌ها و هم در کنفرانس جهانی در باره مسائل اجتماعی در کنهنگ که سه روز پیش پایان یافت مسئله زنان، افزایش آگاهی آنان و تأمین حقوق حقه‌اشان بعنوان یکی از اصلی‌ترین کلیدهای حل مسائل عموم بشری و یکی از ملزومات دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی تلقی گردید و در بیانیه‌های

پایانی این کنفرانس هادول مختلف به اجرا و رعایت حقوق زنان فراخوانده شدند. در بیانیه پایانی اجلاس کنهنگ که از سوی رهبران و هیئت‌های نمایندگی ۱۸۰ کشور جهان به امضاء رسیده است چنین می‌خوانیم: "ما خود را موظف به تحقق برابری و عدالت میان زنان و مردان و تقویت نقش رهبری زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روندهای توسعه می‌دانیم. گنجانده شدن این بند در وجه عمده محصور تلاش جنبش زنان کشورهای مختلف و پیگیری و با فشاری نمایندگان آن در روند برگزاری کنفرانس است. بی‌شک این آگاهی جهانی به اهمیت نقش و موقعیت زنان و نیز افزایش خود آگاهی زنان در راه کسب حقوق خویش و پاسداری از آنها، در کنفرانس جهانی زن که از سوی سازمان ملل تاپستان امسال در پکن برگزار خواهد شد نیز نمود و تجلی بارزتری خواهد یافت و برای مبارزه زنان جهان و همه نیروهای مدافع آنها پشتوانه محکمی پدید خواهد آورد.

یکی از امضاء کنندگان بیانیه‌های قاهره و کنهنگ رژیم جمهوری اسلامی است. تعهد عملی به این امضاء با توجه به سابقه و عملکرد رژیم مستلزم چرخشی اساسی در دیدگاه‌ها و نگره‌های آن و در واقع امری ناممکن است. زنان میهن ما که تا سال ۱۳۵۷ با محدودیت‌های ناشی از قوانین مدنی و فرهنگ و سن مردسالارانه مواجه بودند با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی با قید و بندهای قرون وسطایی دیگری روبرو شدند که

مقررات زن ستیز مربوط به حقوق خانواده و گردن نهادن به حضور زنان در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی... و ادانت. زنان مادر تلاش خود برای عقب نشاندن رژیم بر خود آگاهی خویش نیز پیوسته افزوده اند و به درکی روشنتر از حقوق خویش رسیده‌اند. با این همه جنبش زنان ایران همچون سایر گروه‌ها و گرایش‌ها به سبب محدودیت‌ها و موانع رژیم از تشکل و انسجام لازم محروم است و هنوز هم ناگزیر از مبارزاتی غیرمنسجم و سازمان نیافته است. صد البته امروز بر شمار نشريات مستقلی که بیانگر نیازها، خواست‌ها و اعتراضات زنان باشند افزوده شده است لیکن اینها در نهایت امر نمی‌توانند جایگزین تشکل مستقل زنان و مبارزات هدفمند و سازمان یافته آن شوند.

به مناسب سالگرد گذشت دکترها دارایی مرگ بر استبداد!

آرش افسانه بود، همارابه چشم دیدیم. استاد بود. مبارز بود. انسانی بود سرشار از عشق زندگی. سرد و گرم چشیده و روزگار دیده بود. درمانده نبود، اوج غیرت و همت بود. عصیان علیه سیاهی بود. می‌خواست نقطه پایان زندگی‌اش اخگر امید و آگاهی باشد. شراره‌ای باشد در دل تاریکی. می‌خواست طنین فریادش علیه استبداد از بر و ج باری شب پرستان انسانیت ستیز فراتر رود و به گوش جهانیان برسد. بر ما بنگرید ای جهانیان. اینان سفیران تباهی و آزادگی‌اند. بر ما بنگرید ای جهانیان. برستمی که بر ما می‌رود. اینجا خلقی دریند است. اینجا نه من بلکه انسانیت است.

علم و البسه

امیر مبینی

خواه بودند باز زنان را سبک کرده و آنان را مخیر فرمودند که از بین ماتن و روری یا بلوز و دامن و روسری هر کدام را می‌پسند انتخاب کنند، و البته روشن است که در صورت انتخاب چادر خیر اخروی داشته است. قطعات مجاز برای تماشای دم از نظر آنها عبارت بود از دو کف دست و گرده صورت و شاید چهار انگشتی از چانه به پایین. و اما چند کلمه از چپ جنگی بشنوید که از همه شنیدنی‌تر است. اینان که سبیل در سبیل و چکش در داس بیخ ریش حزب الله سبز شده بودند با یک انقلاب مهیج تونیک و شلوار را پیش کشیدند با گیس کوتاه یا افسان نشسته و جانم برای شما بگویند نه تنها دو کف دست و گرده صورت و چهار انگشت زیر گلو همچنین از زیر کتک زانوبه پایین و نیز به اندازه یک وجب از بازو آزاد اعلام کردند. البته با یک قانون پنهانی که تماشای بیش از اندازه مناطق مذکور را مستوجب اخراج فوری از گروه می‌دانست، کاری که پیش از انقلاب کفرش می‌توانست خیلی سخت‌تر باشد.

الباقی، از چپ دنیا دیده اهورتو نیست تا انواع و اقسام لیبرالها - از لیبرال‌های معطر و نیمه معطر گرفته تا بی‌بو و خاصیت‌هایی که ریش را تراشیده و به جایش سنبله جسدانده بودند - به خاطر وحدت ملی رد توامان چادر و مینی‌ژوپ را اعلام کرده و فیما بین این دو قطب را انتخاب احسن می‌دانستند، اگر چه در خفا از این هم می‌توانستند آتش را شورتر بکنند. (خوب البته حساب مادر بچه‌ها سواست!)

طاعتی‌ها که پیش از این خدمت شکم خودشان رسیده بودند و حالا نیازهای جدیدی داشتند، سخت کنجکا بودند که دیگران چه در بقیچه دارند و به همین خاطر از مدتها پیش مینی‌ژوپ را با همه مخلفاتش مجاز اعلام کرده بودند، با یک شرط، و آن اینکه جنس لطیف از یاز نبرد که اصولاً برای چه هدفی این آزادی را یافته است!

اما از قدیم گفته‌اند که چاه کن توی چاه می‌افتد. همین مینی‌ژوپ سبب وحدت کلمه همه فرق ناموس پرست، علیه آنها شد و تا آمدند به خود به جنبند مجموعه عساکری که شمردیم نعره زنان بر

تازه من این یکی را هم نمی‌دونم، استکبار جهانی...
-ببین دخترم، همان لباسی که مادر بزرگ توی عکس خودش به تن داره اسمش "حجاب" (و خنده همچنان ادامه داشت)
-به همان "چاردور" میگن جحاب (و خنده شدیدتر ادامه یافت)
-بابا تو شریعت گرفته‌ها. اگه بدونی که امروز باید چکار کنی اونوقت اصالتی خندی، امروز روز زنه و باید بری برای ماما مان هدیه بخری، برای من هم! ماما مان گفت.
سلسله گیسوان از سلسله در رفته را چرخ می‌داد و ورقص کتان گرد بساط من دوری زد و از اتاق بیرون رفت. انگار که از تاریخ من بیرون رفت. من ماندم و تاریخ خودم، و مقایسه دو تاریخ و دود دنیا. صفحه روشن رفته رفته به تیرگی می‌گراید، و صفحات انقلاب یکی یکی ظاهر می‌شوند، و گروه‌های سیاسی که با می‌کوبیدند، و طبل و شنبور و چکمه و شمشیر و نبرد و غوغا و شعار و شعار و شعار...
در این صحنای محشر دنبال موضوع به هر دری زدم تا اینکه به میدان انقلاب رسیدم مردم گوش تا گوش صف کشیده بودند و به یکدیگر جنگ و دندان نشان می‌دادند. هر جریان با شکوه و هیمنه بسیار در کنار علم و کتل خود دستورا عملی هم برای آزادی زنان و آگاهی هم برای البسه زبر و روی این طایفه حمل می‌کرد.
به ترتیب صف آرایی که در نظر بگیریم جنبش جوشن بوش حزب الله ریش در ریش در منتهی‌الیه سمت راست میدان کمین کرده و آفرینته‌ای خوف انگیز را با ترگ و وزره و چادر و مقنعه و نقاب و دیگر آلات حرب و ضرب پیش انداخته بود تا نمودار الگوی جدید زن ایرانی باشد.
درست بیخ دنده چپ آن، گروه دیگری از حزب الله ضعیفه‌ای را کت بسته درمانتو مقنعه نهانده بود و چادر سیاهی هم به عنوان زرزوری شانه‌اش آویزان و خلق را بین دو انتخاب سرگردان کرده بود. بیخ دنده چپ این جماعت انبوه گروه‌های ریز و درشتی صف کشیده بودند که از وسط آنها علم مجاهدین مثل قله دماوند و شاید هم چند هزار متری بلند تر از آن گردن کشیده بود. از آنجا که اینها دیگر خیلی آزادی

از مارس تا سپتامبر کارزار جهانی برای حقوق زنان

- ۱- نقض حقوق بشر در مورد زنان امری روزمره و جهانشمول است. از این رو امسال سازمان عفو بین‌الملل تحت عنوان "زنان در اقدام" در خطر کارزاری را سازمان داده که از ۸ مارس شروع و تا ۴ سپتامبر ادامه می‌یابد. صدها گروه و انجمن در هفته‌ها و ماه‌های آتی با اقدامات و فعالیت‌های مختلف نظر افکار عمومی جهان را متوجه گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل درباره نقض حقوق زنان در چهار گوشه جهان خواهند کرد و از این رهگذار افراد بیشتری را جهت اعمال فشار بر رژیم‌های زن ستیز ترغیب و تشویق خواهند نمود.
- ۲- تصویب و اجرای قرارداد‌های بین‌المللی در مورد حمایت از حقوق بشر
- ۳- رفع تبعیض‌هایی که مغایر حقوق انسانی زنان است
- ۴- پاسداری از حقوق انسانی زنان در درگیری‌ها و منازعات مسلحانه
- ۵- منع و جلوگیری از تجاوز، سوء استفاده جنسی و اشکال دیگر شکنجه و بد رفتاری توسط نیروهای دولت‌ها و گروه‌های شبه نظامی حامی آنها
- ۶- ممنوعیت از تأیید کردن و ترور دولتی از سوی نیروهای امنیتی و پرداخت خسارت به قربانیان
- ۷- عدم تعقیب و پیگرد بخاطر روابط و مناسبات فامیلی
- ۸- مراقبت از سلامت زنان زندانی
- ۹- آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی که در مبارزه‌اشان از سلاح استفاده نکرده‌اند.
- ۱۰- محاکمات سریع منصفانه در مورد همه زندانیان سیاسی
- ۱۱- ممنوعیت از نقض حقوق بشر در مورد مهاجرین، پناهنده‌ها و همجنین در مورد زنانی که در داخل کشور خود تبعید می‌شوند.
- ۱۲- لغو مجازات اعدام
- ۱۳- حمایت از فعالیت سازمان‌های چند ملیتی و غیر دولتی
- ۱۴- اشاعه و تقویت حقوق زنان به عنوان بخشی از حقوق بشر از طریق برنامه‌های درسی و تربیتی.
- ۱۵- ممنوعیت از حمله گروه‌های سیاسی مسلح به زنان

۱ - به رسمیت شناختن جهانشمولی و تفکیک ناپذیری

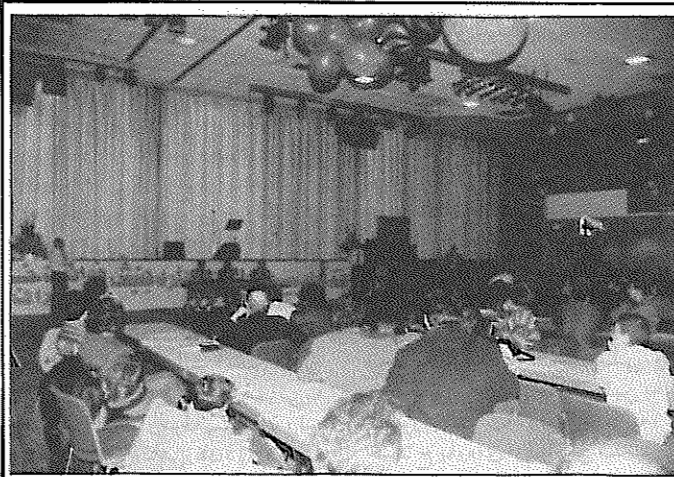
بحث و گفتگو با اعضای شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون

اتحادها، جمهوری اسلامی، حکومت آینده، حقوق خلق ها...

سؤال: مناسبات سازمان شما با سایر سازمانهای سیاسی در چه وضعی است؟
علی پورنقوی: در یک سمت ارتباطی با حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان فدائیان خلق بعلاوه تعدادی از شخصیتها چپ صورت می گرفت که حاصل آن انتشارسندی بود به نام، کوشش برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ. در سمت دیگر، مناسبات باره کارگر، سازمان اتحاد فدائیان و قبل تر سازمان اتحاد کارمطرح است و همچنین حزب توده ایران. در خلال سالهای اخیر، ارتباطاتی با این سازمانها وجود داشته است. عموماً در این ارتباطات موضوع همکاری های ممکنه بین نیروهای چپ با این دید که این همکاری ها در راستای نزدیکی آنها موثر خواهد بود، مطرح بوده است. به عنوان یک مورد عملی می توانم وعده و قولی که از سوی سازمان اتحاد فدائیان خلق دایر بر آمادگی سازمان مذکور برای همکاریهایی با ما داده شده را ذکر کنم. دیدگاه ما در این مورد این است که خاصه بلحاظ اختلاف نظرات، راهی طولانی و دشوار در پیش است.

است و بسیاری چیزها هم هرگز جبران نخواهد شد. ما با حکومتی رودروئیم که استبدادش تا درون خانه ها و افکار ریچه ها رفته است. راهگشائی برای غلبه بر فقر خود عین استراتژی است. طبیعتاً استراتژی ما جبهات اجتماعی وجود دارد. برنامه هایی هست که می توانند فقط در خدمت صندوق بین المللی پول قرار داشته باشد و برنامه هایی هم می خواهد آرام آرام و بتدریج برای غلبه بر فقر، عدالت اجتماعی را بوسیله آورد. ما دیگر به عدالت اجتماعی بیکاره و یک شبه و با ضرب و شتم و یا دیکتاتوری پرولتاریا اعتقاد نداریم. عدالت اجتماعی یک روند کاملاً طولانی و دراز مدت است و بر بنیاد رشد و ترقی و در پیوند با آزادی و دمکراسی می تواند باشد. اگر چنین روند شاید بیست سی ساله ای استراتژی نیست پس چیست؟ ما یک چنین جبهه ای را می خواهیم تشکیل دهیم.
ما این حکومت جمهوری اسلامی را یک حکومت مستبد و نالایقی که کشور مردم را به فقر و ویرانی کشانده است می شناسیم از این ما مزاده معجزه ای بر نمی خیزد و از نظر ما باید بود و حکومت دیگری باید به شکل مناسبی را در جامعه ما جمهوری مبتنی بر پرلمان با جبهات و خصائل عدم تمرکز.

به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق، ۳ تن از اعضای شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقا: مهدی ابراهیم زاده، علی پورنقوی و بهزاد کریمی، در یک جلسه بحث و گفتگو پیرامون مسائلهای فدائیان (اکثریت) شرکت کردند. فشرده ای از پرسشها و پاسخها را در زیر می خوانید:



مقاطع کوتاه در تاریخ دیده شده که تمرکز به ترقی و رشد منجر شده ولی نه به دمکراسی و اصل متباین و متناقض با دمکراسی است. اگر چه هر قدم تمرکز لزوماً دمکراسی نیست.

دلیل دیگرمان نیز بخاطر موقعیت قومی و ملی کشورمان است. بنا بر این در گنگره اول در فورمولیندی ما فدرالیسم بود ولی آن فدرالیسم را ما در چندین مقاله توضیح دادیم که، این فدرالیسم در کشورمان با ویژه گیهایش خواهد بود. هم واحد های جغرافیایی مثل المان با فدرال های مختلف خواهد بود هم اعتبارناظر بودن بر فرهنگها، زبانها، گویش ها، سنت ها و... پاسخ خواهد گفت. در گنگره دوم و سوم بحثی بود که مقوله فدرالیسم تا روشن و نیازمند تحقیقات کارشناسانه بیشتری است در نتیجه ما بر روی محتوا تا کید داشته باشیم ولی خورد واژه را نیاوریم.

سؤال: شخصی بنام نادر صدیقی در روزنامه نیروز مقاله ای داشتند تحت عنوان 'حالا نوبت من است'. ایشان صحبت از دیدار گل و ارتباطی با نیروهای سیاسی کرده است. ۱- آیا سازمان یا افراد شما هم جزو چنین نیروهای بوده است؟ ۲- آیا چنین شیوه هایی را خلفا ششون سیاسی، اخلاقی و حسن اعتماد نمی دانید؟ ۳- چرا سازمان شما در مقابل چنین مقاله ای هیچ موضع گیری نکرد؟

مطلب در دادگاه می کونوس هم مطرح شد و این بود که نادر صدیقی با یک عده از فعالین سابق سیاسی که ارتباطی با سازمانها نداشتند از تباط گرفت و در آن موقع هم پاسخی در نشریه کاردرج شد که ما از مذکور با هر نیروی سیاسی حتی جمهوری اسلامی هیچ هراسی نداریم ولی این مذکر با بد علنی باشد و موضوع مشخص و در جریان باشد و وقتی گردد. ما گفتگو با رژیم می کنیم که از مذکر فقط آدم کشتن، ترور و خراب کردن فضای اپوزیسیون را هدف دارد در حال حاضر صلاح و نیت های مختلف جامعه سیاسی ایران توضیح داد.

سؤال: در استراتژی شما اشاره می شود به جمهوری دمکراتیک پارلمانی. کلمه ای که من در آنجا علاقه دارم ولی دیده نمی شود، کلمه فدرالیست است. شما چگونه با مسئله فدرالیست برخورد می کنید؟
بهزاد کریمی: پیرامون موضوع فدرالیست باید عرض کنم که در استاد ما روشن و صریح آمده است که ما طرفدار سیستم عدم تمرکز در ایران هستیم و آنهم بدلیل باور به دمکراسی از تمرکز هیچوقت دمکراسی حاصل نمی شود. در

تشخیص داد تا اسم گذاری روی نیروها یا ذکر نشان دادن نیروها. زیرا این واقعیت حداقل در مورد سازمان ما روشن است که بقول 'برشت': آنچه که هست اینگونه نمی ماند.
باری، با این ملاحظه باید بر این مبنای عنوان نیروهایی که مادر چارچوب جبهه ای آمادگی همکاری با آنها را داریم به این موارد اشاره کنم: ۱- باور به رای مردم در مورد نظام آتی حکومت ایران. ۲- هم باور داشت به لزوم جدائی دین از دولت. ۳- احترام به تمامیت ارضی در مقابل تجاوز بیگانه. ۴- باور داشت به دمکراسی و وفاداری به دمکراسی. منتهی باید تا کید کنم که سازمان اکثریت بر این نظر انحصار طلبانه نیست که یک جبهه بلا منازع از چنین نیروهایی باید تشکیل شود و نیروی بلا منازع بدون رقیب و انحصاری جمهوری اسلامی فعلی باید باشد. ما بر این باور هستیم که به یمن نهاد های دمکراتیک درون جامعه که هنوز شکل نگرفته اند، هر نیروی سیاسی باید در جامعه ما شانس خودش را برای گرفتن قدرت داشته باشد.

در مورد اینکه چپ و راست توسط کدام عوامل در جامعه کنترل می شوند؟ این شاید آموزش شناخته شده ای باشد بخصوص وقتی که با کشورهای اروپایی مقایسه کنیم که در این قبیل جوامع بلحاظ شکل گیری نهاد های سیاسی مردمی دمکراتیک، کنترل در اساس توسط این نهادها صورت می گیرد. چنین نهادهایی در جوامع ما شکل نگرفته بجز در مقاطعی که جامعه در حال جوش و جنبش بوده ما کمتر چنین نهادهایی را شاهد بودیم در نتیجه انگشت گذاشتن بروی یک نهاد مردمی و عمومی در جامعه ما و مدعی این شدن که این فلان نیرو کنترل خواهد کرد غیر ممکن است.

سؤال: در یک سیستم دمکراتیک پارلمانی که استراتژی سازمان اکثریت است یک منظره ای از احزاب سیاسی راپیش شرط قرار می دهد. لطفاً کاملاً مشخص و بنام بگوئید چه احزابی را برای بازسازی ایران دمکراتیک در نظر می گیرید؟ و اینکه نیروهای راست و چپ افراطی یا... چگونه مهار می شوند؟

پورنقوی: پیش از آنکه به ذکر اسامی بپردازم یا نپردازم - نه بنا به ملاحظه این یا آن سازمان سیاسی - مناسبت می دانم که مبنای مورد نظرمان را برای همکاریهایی که در چارچوب کوشش برای تحقق یک جبهه جمهوری از نیروهای جمهوری خواه و دمکرات را در بر می گیرد را بیان کنم. بنا بر این کیفیت، راحت تر می توان نیروهایی را که زبان مشترکی با آنها داریم

سؤال: در جلسه ای که دو هفته قبل سازمان شما، حزب دموکراتیک مردم ایران، جمهوریخواهان ملی و جبهه ملی (فراکسیون متحده) داشتند نکته ای طرح شد که اتحادی که تشکیل شده، اتحادی استراتژیک است، می خواست بدانم چه تفاوتی بین دوستان اکثریت و سازمانهایی که به لحاظ طبقاتی می توان بود و بود او را کراتیک نامید، وجود دارد؟ ۲- اتحاد نیروهای چپ بر مبنای منافع زحمتکشان اتحادی ضروری است یا خیر و آیا می توان در دو اتحاد شرکت کرد. ۳- سازمان شما در برابر پیش گیری نیروهای مردمی که بصورت قیام یا انقلابی بر ضد رژیم وارد صحنه شدند چه موضعی خواهد گرفت؟
بهزاد کریمی: امروز چپ از درون یک شکست بیرون آمده است. این نخستین حقیقتی است که می باید بدیافت. چپ که این را نپذیرد نیرویست که هنوز در همان شکل و نظام و ساختار قبلی مانده که ما آنرا قبول نداریم. ما بر آمادگی چپ و جهت گیری مردمی اش، براد و عدالت با در آنجا که به نقد و مخالفت با نظامهای مبتنی به استثمار سرمایه داری است، هنوز با پرچامیم. اما در اینکه چه چیزی را باید جایگزین کنیم تنها به ما بر نمی گردد. این یک پاسخ بین المللی و تاریخی است. ولی اگر چپ بگوید که در همین جهت حرکت کند کار بزرگی کرده است و ما بر جنبش سیرو محوری حرکت می کنیم و هدف خودمان را بر این قرار داده ایم که چپ شکل بگیرد که برود و بنیاد ممزوج و در پیوند با هم یعنی داد و دمکراسی شکل بگیرد. هیچکدام بدون دیگری نمی تواند مطرح باشد.

سؤال: می شود که ما اگر بخوایم با چند جریان یک جبهه تشکیل بدهیم این استراتژیک است یا تا کتیکی؟ واقعیت این است که علی رغم وجوه روشن که در تعاریف آنها هست اما نباید تعاریف دگم سابق را دنبال کرد. کشور ما امروز رو به بنگلادش دوم شدن دارد. اگر تمام نیروهای دست در دست همدیگر بدهند به دهها سال و امکانات فراوان احتیاج

یک چنین آلترناتیوی که از پیش می خواهد همه را قلع و قمع کند مخالفت می کنیم. و مانند سلطنت طلبان و اسلامی ها می خواهیم آنان را تضعیف کنیم.

اما پیرامون انقلاب. یک عده هستند که انقلاب را عزمی گیرند و یک عده دیگری جشن می گیرند مثل یک مانده آسمانی و خیر و برکت. ما با هیچ کدام از اینها نیستیم. ما بر دستاوردها، ارمانها و ارزشهای انقلاب تا کید داریم اما جبهات منفی این انقلاب را نقد می کنیم و این در حالی است که پیشنازترین رادیکالهای این انقلاب بودیم. نمی خواهیم یک بار دیگر مردم فقط "نه" بگویند. مردم ایران باید برای اثبات بسج شوند. ما هم می گوئیم که این رژیم برود ولی بیش از آن تلاشمان این است که کدام سیستم، ساختار باید جایگزین شود.

سؤال: شما اشاره کردید که جمهوری اسلامی باید بود. بنظر شما اگر در این شرایط این رژیم بود تا جایی که اینک ایران ترکیبی از ملیت های مختلف است آیا سرانجام ایران چیزی مانند افغانستان یا یوگسلاوی باید تا آن نمی شود؟
علی پورنقوی: اگر یک پاسخ کلی به این سوال بخوایم بد هم این خواهد بود که رفتن جمهوری اسلامی می تواند به نتایج مختلفی منجر شود اما مقدمتاً در عین حال با تا کید بر همین وانشناسی که شاید جمهوری اسلامی هم در ایجادش توفیق داشته است اشاره کنم که ظاهراً رفتن این رژیم موجب چنان خلائی خواهد شد که نتیجه کار افغانستان خواهد بود یا بدتر از آن و نتیجه گیری منطقی این خواهد شد که پس بگذار این رژیم بماند! این آن نتیجه خطرناک و اشتباهی است که چنین روشناسی بدان منجر خواهد شد. اضافه بکنم که رژیم جمهوری اسلامی در خلال ۱۶ سال حاکمیتش اگر ایران را به افغانستان تبدیل نکرده است، همانگونه که پرسش گران و پاسخ گویان اذعان داشتند کشور را به جایی رسانده که چشم اندازی بهتر از بنگلادش جلوی روی نیست در شرایطی که این حاکمیت تا ابد باقی ماند. در این صورت و با وجود یک چنین حاکمیتی الزاماً آینده ای بهتر از افغانستان را در پیش رو نداریم. مطمئناً با رفتن جمهوری اسلامی نتیجه کار بدتر از تا ابد بود. حاکمیت سیاه این رژیم نخواهد بود.

سؤال: نوع موازین تشکیلاتی و دمکراسی درون حزبی در سازمانهای گوناگون - مثلاً در حزب توده ایران، تا چه حد مورد توجه شماست و در رابطه با تعیین خط مشی تان با آنها چه تاثیراتی می گذارد؟ ۲- در نشریه کارویزه ۱۹ بهمن اشاره شده است که روند اتحاد نیروهای دمکراتیک کند است. آیا شما فکر نمی کنید در طی زمان و در اثر ضعف امکانات تبلیغی خلائی بین سیاستهای طرح شده از جانب رهبری و اعضای سازمان ایجاد شده است؟ ۳- در حرکت بزرگ اعتراضی توده مردم در استادیوم آزادی این نکته شایان توجه بود که مردم هیچ شماری در حمایت از هیچ سازمانی را ندادند. آیا این دلیل بر کم کاری سازمانهای سیاسی از جمله فدائیان در عرصه داخل کشور نیست؟
بقیه در صفحه ۱۴

چپ در آینده ایران

بحث و گفتگو با اعضای شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ادامه از صفحه ۱۲

فرهنگ تازی و قدری هم منصفانه نیست اگر بگوئیم فرهنگ تازی یا عرب بلکه فرهنگ اسلامی مد نظر جمهوری اسلامی که به جامعه ما دارد تحمیل می‌شود. اینرا ما واکنش تلقی می‌کنیم ولی صرفاً بدلیل واکنش نسبت به حاکمیت دلیلی ندارد که برای آن حقانیت قابل بشویم. ناسیونالیسم بخصوص وقتی از آن برداشته‌های افراطی و کشیدن سد به دور خود و ایجاد مانع در مبادلات فرهنگی با سایر جوامع ولو جامعه خودی بشود امر منفی زاینباری بیشتر نیست.

سوال: آقای کریمی گفتند که اگر جمهوری اسلامی خواهان مذاکره شد سازمان شما به آن جواب خواهید داد. آیا این یادآور همان سالهای حمایت شما از جمهوری اسلامی نیست؟

کریمی: آری. اینها چیزی در می‌آید؟

بهاژ: کریمی صریحاً اعلام می‌کنم که تا به امروز علنی یا مخفی، رسمی یا غیر رسمی، در سطح مسئولین، کادرهای سازمان و اعضای رسمی سازمان هیچ گونه صحبت و مذاکره‌ای با این حکومت جمهوری اسلامی نداشتیم. ۲- به هیچ وجه این ارزیابی را نداریم که این رژیم در موضع مذاکره است و در تکلمه اینکه می‌توان آنرا با نوازش و مهربانی به مذاکره کشاند. به همین دلیل ما صریحاً اعلام کردیم که می‌خواهیم که این رژیم برود. البته ما آن زبان و فرهنگ خیلی خشن سابق را بکار نمی‌گیریم که حتماً با آن سرنگون یا واژگون بشود. ۳- بلحاظ متدی یک از نظر عملی اگر مبارزه مردم تاجایی پیش برود که ما با این رژیم جمهوری اسلامی بر سر انجام انتخابات واقعا آزاد مذاکره کنیم (و گرنه بر سر چه چیزی می‌خواهیم مذاکره کنیم؟ داد و ستد که نمی‌خواهیم بکنیم) و تحت فشار مردم و تکلمه شاید فشار بین المللی بشود جمهوری اسلامی را به مذاکره کشاند. تصویری که اگر چنین بشود بسود جنبش و مردم خواهد بود.

سوال: اما راجع به اسلامی‌ها. دوستان، ما یک نیروی بزرگ اسلامی در کشورمان داریم، مگر می‌شود آنها را نادیده گرفت؟ شما مسیحيان راد را اینجا و آنجا ببینید که از درونشان آزاد بخواه و فاشیست بیرون می‌آید، عدالت خواه در می‌آید رونالد ریگان هم در می‌آید. درون همین اسلامی‌ها امروزه سروس بر می‌گردد و می‌گویند که اصلا علم و حوزو با هم نمی‌خوانند. حرفی که سیصد سال پیش در اینجا زدن و نوسان بزرگ علمی و فکری صورت گرفته و حالا من گوشه‌ها را ببندم و بگویم که حرف بدی است؟ نخیر حرف خوبی است و امیدوارم از زبان بسیاری دیگر از اسلامی‌ها هم در بیاید. اگر کسی بیاید و بگوید تلفیق دین و حکومت، استبداد است آیا منفی است؟ حال نماز و روزهاش را هم بگیرد. اما اگر به چنین سطح برسد که حکومت نباید دینی و عقیدتی باشد خیلی پیشرفت است. ما اگر از همین حالا دستمان را ببندیم و فقط تخم کین بکاریم این یعنی همان ادامه سرکوب و حذف. از سرکوب و حذف جامعه ما بهره‌ای نبرده و آسیب دیده است. ما می‌خواهیم به سهم خودمان این مشی را در جهت صحیح بیان داریم.

سوسیالیسم
حزب کمونیست نیز گرچه شعار "حکومت کارگری" را حفظ کرده است ولی برای این نظر است که فرض یک روند معارف جایجایی حکومت در ایران روز بروز نامحتمل تر می‌شود

ممکن است سیر فروپاشی جمهوری اسلامی به یک جنگ داخلی کشد، اما اشغال خارجی و تجزیه کشور بیانجامد و با روشن بینی می‌پذیرد که تنها یک دولت غیر مذهبی و مدون که وسیع ترین حقوق مدنی و رفاهی را به رسمیت بشناسد و چارچوبی سیاسی و قانونی برای کشمکش نیروهای اجتماعی فراهم آورد، می‌تواند تضمینی علیه کابوسی باشد که جامعه و مردم ایران را تهدید می‌کند. حزب کمونیست بدرستی کمونیست های کارگری و چپ رفرمیست و لیبرال را در ایجاد چنین آلترناتیوی ذی نفع می‌شمارد و تهدید واقعی را از جانب نیروهای احزابی می‌داند که ریشه در اقتصاد سرمایه داری امروز ایران ندارند.

حزب ایران بیش از هر خانواده سیاسی دیگری دارای سنت سازماندهی و پیوستگی در کار سیاسی است. این ویژگی و تعلق خاطر کوشندگان چپ به کارگران و زحمتکشان جامعه، بدون تردید آنها را بسوی برپایی اتحادیه های کارگری و ایجاد کانون های دموکراتیک و دفاع از منافع صنفی و سیاسی کارگران و کارمندان، دانشجویان و استادان، نویسندگان و هنرمندان و ... و لایحه های گوناگون مزد بگیران سوق خواهد داد. بیان معقول این منافع با توجه با امکانات واقعی جامعه و تبدیل آنها به برنامه سازمان دورنمایه گسترده ای در برابر چپ دمکراتیک ایران قرار می‌دهد. بخش مهمی از کارگران و زحمتکشان ایران که پس از ۱۶ سال تجربه انقلاب اسلامی به تدریج از اوهام برقراری عدل و قسط بدست رهبری فرمهند، رها می‌گردند، زمینه پیوند اجتماعی چپ ایران هستند و چپ تنها در این پیوند هویت خویش را باز خواهد یافت. و گرنه امروزه باز سازی یک وحدت شوریک و ایدئولوژیک ناممکن می‌تواند انسجام و تمایز چپ را حفظ کند و نه رادیکالیسم سیاسی می‌تواند جایگزین سوسیالیسمی شود - که حتی اگر آنرا در برنامه حفظ کنیم - در آینده ای پیش دیدنی درد ستور روز قرار نخواهد گرفت.

پساره ای ناسنجیز از چپ مارکسیست که هنوز پیش و روش استبدادی را رها نکرده است می‌تواند در آینده با دست بردن به "قهر انقلابی" زیر شعارهای گوناگون، از جمله بنام دفاع از حقوق اقوام ایرانی، در روند گذار به دموکراسی اختلال کند و با ایجاد آشوب و اغتشاش، برآمدن یک "پنجه آهنین" را زمینه ساز گردد. این نکته در باره بخش مهمی از چپ مذهبی و پوپزه سازمان مجاهدین خلق - که بررسی تفصیلی دیگر می‌طلبید - نیز صادق است.

جنبش چپ ایران...

تئوری روشن و موفقی که معنای این رخسار را توضیح دهد در دست نداشتند. بلندن این درست نیست که بخواهد خود را برکناس آن تعریف کند. در اینجا منظور من از سوسیالیسم لیبرال نظامی مبتنی بر مالکیت دولتی و دولت تک حزبی نیست و نه یک رشته ارزش های اجتماعی مثل آزادی و عدالت و پیشرفت و صلح و غیره. در اینجا منظور از سوسیالیسم تاکیدی کتبی بر مسلولیت اجتماع در قبال سرکوبست فرد - در مقابل فردگرایی سرمایه داری - هم نیست. و گرنه منسب و دقیق خواهد بود هرگاه جنبش چپ به اعتبار ارزش های جامعه گریانه مورد تأییدش و نیز بخلطر تأکیدش بر سهم جامعه در قبال سرکوبست فرد، خود را جنبش سوسیالیستی یعنی جامعه گرا تعریف کند. در بحثی که تا اینجا داشته ام وجه عینی هویت جنبش چپ را به دستنقد موجودیت تاریخی آن تعریف کرده و وجه ذهنی هویت و به بیان دیگر مقابلهت چپ را به دستنقد مطالبات سیاسی آن توضیح دادم. بحث در پاره چپ و آینده آن لزوماً چگونگی مکتوبات فعالان این جنبش در چارچوب تشکل سیاسی خود و نیز چشم انداز وحدت نیروهای آن را نیز نرس می‌کنند.

در ایران ما مستأباً با دو گرایش چپ مواجه بوده ایم: چپ مارکسیست و چپ اسلامی. وجه مشخصه این هر دو مخالفت با سرمایه داری، و برنامه اجتماعی اشان دولتی کردن اقتصاد بود.

از نظر طرحی که برای نظام سیاسی داشتند نیز دیدگاه این دو گرایش از یک دولت استبدادی فراتر نمی‌رفت. یکی خواهان فرمانروایی پزولتاریا یا دیکتاتور خلیفه بود و دیگری به ولایت فقیه و یا استبداد متقین دل بسته بود.

گرچه برنامه چپ مارکسیست در ایران سازماندهی اقتصاد کشور بر اساس مالکیت عمومی یا دولتی بود و طبقه کارگر عامل تاریخی دگرگونی جامعه سرمایه داری و گذار به سوسیالیسم پنداشته می‌شد. چپ اسلامی نیز با همین برنامه، مفهوم "مستضعفان را که تصادفاً با روند سازمانیایی طبقاتی در جامعه همخوان تر بود به جای پرولتاریا و طبقه کارگری گذاشت. همگرایی شگرفی که در آغاز انقلاب برای ملی کردن بانک ها و سرمایه های بزرگ پدید آمد از همین یگانگی زمینه فکری برمی‌خاست.

اینک در دنیا، هم این برنامه سوسیالیستی با آخرین دگرگونی های احزاب چپ در اروپای غربی و فروپاشی "سوسیالیسم واقعا موجود"، پایگاه های اساسی خود را از دست داده، هم اصولاً تحولات ساختاری سرمایه داری و فروکش کردن جنبش کارگری در غرب جایی برای اعتقاد به نقش طبقه کارگر چون عامل تاریخی گذار به سوسیالیسم باقی نگذاشته است.

گرایش های چپ در غرب نه تنها پیشگام مبارزه برای دموکراسی، کاهش روزانه کار، بیمه های اجتماعی و گسترش آموزش و پرورش رایگان بودند، همانا خوش پنداری های جنبش های انقلابی و پایداری های قانونی کارگران را برای تغییر جامعه سرمایه داری باز می‌تافتند. با پیکاری طولانی، در جامعه فرهنگ و نهاد های پدید آوردند که همه تا نظریه همبستگی مزد بگیران در برابر سرمایه داران و مردم تنگدست و ضعیف در برابر توانمندان بود. احزاب چپ هر کدام به نوعی مهر خود را بر شکل گیری جامعه های مدرن امروزی زدند و ساختار و تعادل کنونی این جامعه ها، نتیجه و برآیندی از پیکارهای چپ و راست در گذشته ای نه چندان دور است. این گذشته و پیوند تاریخی احزاب چپ با بخش وسیعی از مزد بگیران بدون تردید یکی از زمینه های مهم تمایز و استمرارشان در غرب است.

امروز نیز گرایش های چپ با طرفداری از تجدید توزیع درآمد به نفع لایه های کم درآمد جامعه، محدود کردن نقش بازار، دفاع از دست آورد های اجتماعی و حفظ و گسترش حقوق شهروندی که هر بار در سیاست های مشخصی برای حل مسائلی که در دست روز جامعه قرار می‌گیرد تبلور می‌یابد، زمینه های

ادامه از صفحه ۱۳

و میلیون بوده است. برخی از آنان به من می‌گویند آنچه را که شما برای چپ برکنده اید ما برای خود برکنده ایم. پس تفاوت در شما در چیست؟ چپ انقلابی نیز می‌گوید آنچه تو برای خود برکنده ای چیزی نیست جز انحلال خود در حزبی لیبرال. چپ باید با خود سرمایه داری و ارائه نظام آلترناتیو یعنی سوسیالیسم تعریف شود

آنچه را که من در تعریف چپ بر آن تأکید می‌کنم نه به الکتور تفکیک از دیگران که به هوای تحقق خود به معنای انسان - در شرایط مشخص، یعنی در ایران استانه سال ۲۰۰۰ - است این که انتخاب من و دیگری، یا دیگران، شبیه نداشتند نه تنها مرا به انتخاب آرزویی دیگر جز آرزوی انسان نهادنی سبوق دهد بلکه ماهیه خشنودی نیست. چه چیز لذت بخش تر از این خبر که آنچه تو آزادانه برمی‌گزینی طرفدار بسیار دارد. به علاوه بسیار بعید نیست که تغییرات در دیدگاهها و سیاست ها، دو جنبش تاریخی را یکی کند. من هیچ گونه ای سراغ ندارم.

در مورد مستقران فرمسیون سوسیالیستی بجای سرمایه داری تا وقتی چپ

در کنفرانس کپنهاک پیرامون برنامه عمل برای توسعه اجتماعی توافق حاصل شد

کشورهای ثروتمند چنین پاسخ می‌دهند که بسیاری از کشورهای جهان سوم، به جای صرف منابع این کشورها در راه توسعه اجتماعی، بخش بزرگی از این منابع را صرف خرید اسلحه و تقویت نیروی نظامی خود می‌کنند، و بدهی‌های چندین کشورهایی را نباید لغو کرد. برخی کشورهای فقیر در برابر این خواست کشورهای اروپایی که منع کامل کار کودکان در اسناد کنفرانس گنجانده شود، مقاومت کردند.

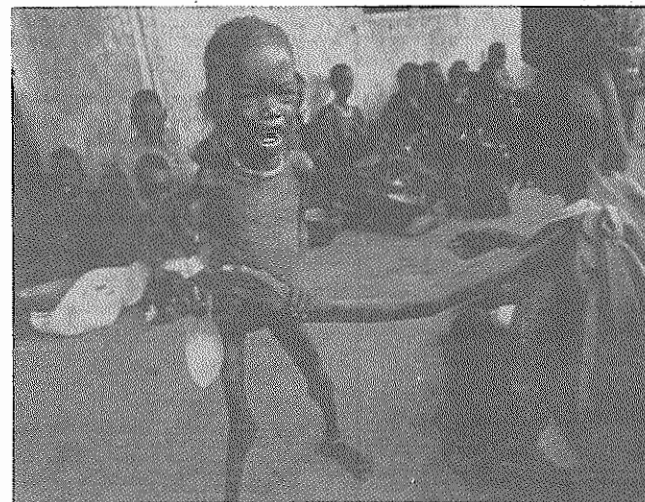
بیشرفت اقتصادی و اجتماعی اندک و وظیفه جامعه بین‌المللی این است که بدین منظور، استانداردهای لازم را تعیین کند. موضوع یکی از حادترین موارد بحث در کپنهاک، بدهی‌های میلیاردی کشورهای جهان سوم بود. در کنفرانس، کشورهای فقیر تا کنین کردند توسعه اجتماعی یا وجود بار سنگین قروض بردوش فقیرترین‌های جهان، ممکن نیست، و خواهان لغو این بدهی‌ها شدند. در مقابل،

کشورهای حاضر در کنفرانس امضا شد، توافق کردند. در این برنامه عمل، دولت‌های امضاکننده متعهد شدند علیه فقر مبارزه کرده، نیازهای اساسی همه مردم را تأمین نمایند. علیرغم این توافق، دو سند مصوب کپنهاک یعنی بیانیه و برنامه عمل، ضمانت اجرایی حقوقی ندارند.

در حاشیه کنفرانس کپنهاک سازمان ملل آماری جدید از فقر در جهان ارائه داد که طبق آن، ۱/۳ میلیارد انسان در فقر مطلق به سر می‌برند و روزانه با کمتر از یک دلار سر می‌کنند. بخش بزرگی از این جمعیت را زنان، کودکان و سالم‌خوردگان تشکیل می‌دهند. دبیرکل سازمان ملل در نطق افتتاحیه خود گفت مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر جدا نیستند، و افزود رشد اقتصادی نمی‌تواند بدون ترقی اجتماعی دوام یابد. غالی خاطر نشان کرد از یک سو دگرگونی شرط لازم برای ارتقای سطح زندگی همه مردم است و از سوی دیگر، پیشرفت اجتماعی شالوده دگرگونی را تشکیل می‌دهد. دبیرکل سازمان ملل تا کنین کرد دولت‌ها مسئول رعایت حقوق بشر و ایجاد چارچوب مناسب برای



حلقه گفت‌وگوهای توسعه اجتماعی در کپنهاک



ساله همچنان باقی است. یک کودک گرسنه در سودان. آیا کنفرانس کپنهاک می‌تواند مشکلی را برطرف کند؟

هفته گذشته کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی در کپنهاک با شرکت بیش از ۲۰ هزار نماینده از ۱۸۰ کشور جهان برگزار شد. برای نخستین بار در تاریخ سازمان ملل، سران دولت‌های عضو این سازمان گرد هم آمدند تا بر اهمیت توسعه اجتماعی و رفاه همگانی تأکید ورزند. موضوعات اصلی این اجلاس عبارت بود از فقر، بیکاری و عدالت اجتماعی. کنفرانس کپنهاک با سخنان پطرس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد آغاز به کار کرد. وی در نطق خود، نمایندگان کنفرانس را فراخواند منشوری در راستای توسعه اجتماعی تصویب کنند. غالی گفت در سال‌های اخیر، توجه جهانیان بیش از حد به عملیات نظامی سازمان ملل برای حفظ صلح معطوف شده و این امر به قدر کافی مورد توجه قرار نگرفته است که توسعه اجتماعی، پیش شرط اصلی صلح است. به گفته غالی، ۷۹ درگیری نظامی از ۸۲ درگیری سال‌های اخیر در جهان، ریشه‌های اجتماعی داشته است. به دنبال بحث‌های حاد در کنفرانس، نمایندگان حاضر پیرامون رتوس برنامه عملی که در پایان کار گرد همایی توسط رؤسای جمهور و رؤسای دولت اکثر

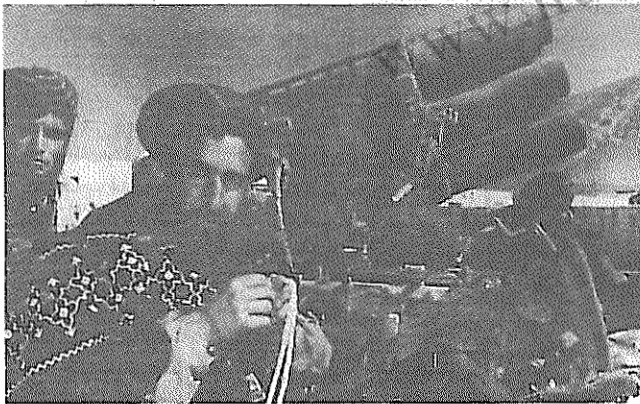
آیا توسعه اجتماعی

بازگزار کنفرانس قابل دستیابی است؟

کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی در کپنهاک نمی‌توانست به مهم‌ترین سؤال در مورد توسعه اجتماعی پاسخ دهد، این سؤال که تلاش همگانی بشری راه دستیابی به شعار این گرد همایی است یا مبارزه طبقاتی؟ کسی هم این انتظار را نداشت که کپنهاک پاسخگوی این سؤال باشد. اما کنفرانس کپنهاک حداقل این خاصیت را داشت که به ما یادآوری کند در جهانی پس نا عادلانه زندگی می‌کنیم، جهانی که به گفته یکی از نمایندگان اروپایی، در سایه "خطر دائمی انفجار بمب فقر" به سر می‌برد. اگر بخواهیم با اسلوب مبارزه طبقاتی به جهان بنگریم، این سخنان یادآور هراس هر طبقه حاکم از انفجار و انقلاب اجتماعی است، و بدیهی است که آنچه طبقه حاکم خطرناک می‌داند، از دیدگاه مبارزه طبقاتی امری مطلوب و راه گشا باشد: انقلاب.

بقیه در صفحه ۱۵

افغانستان همچنان در آتش جنگ و بحران می‌سوزد



خبرنگاران از قندهار گزارش می‌دهند که اکثر مردم این شهر، حکومت طالبان را به وضعیت قبل از آن ترجیح می‌دهند. طالبان توانسته‌اند در شهر ۲۰۰ هزار نفری قندهار، امنیت ایجاد کنند. اما این امنیت، همراه با شلاق زدن به اتهام زنا و حداقل چهار مورد اعدام بوده است. دزدی را با صورت رنگ زده در خیابان‌ها گردانده‌اند. موسیقی ممنوع است، و قرار است مدارس، جای خود را به مکاتب قرآن بدهند که تنها پسران را خواهند پذیرفت. طالبان علیرغم سرسختی در اجرای مقررات اسلامی، ناچار به برخی نهمش‌ها نیز شده‌اند. زمانی که مراجع زنان به مغازه‌ها می‌رفتند، کسبه به شورای شهر که تحت کنترل طالبان است عرضی دادند و شورا با انجام خرید توسط زنان، به شرطی که این کار از پشت پیشخوان خارج از مغازه صورت گیرد، موافقت کرد. جنگ و هرج و مرج را تجربه کرده‌اند، امنیت فعلی غنیمی است. در طول جنگ، قندهار تحت کنترل باندهای مختلف بود. زنان و کودکان، پیوسته مورد تجاوز قرار می‌گرفتند یا ربوده می‌شدند. مردان مسلح، هر چه راه دستشان می‌رسید می‌زدیدند. خیابان‌ها پر از پست‌های بازرسی بود که کارشان فقط باج‌گیری از عابران بود.

رهبر طالبان، ملا محمد عمر است که می‌گوید در خواب از پیامبر اسلام دستور گرفته است افغانستان را از باندهای مسلح نجات دهد. او در یک مدرسه مذهبی پاکستان درس‌هایی دیده است. از اقدامات دیگری که به طالبان نسبت می‌دهند، سوزاندن حبش و نابودی آزمایشگاه‌های سازنده هروئین است.

در جنگ داخلی افغانستان، طی ماه‌های اخیر نیروی جدیدی موسوم به "طالبان" سربرآورده است. طالبان که شمار آنها را حدود ۵۰ هزار نفر برآورد می‌کنند، اکنون به دروازه کابل رسیده‌اند. آنها مدعی‌اند که نه در پی کسب قدرت، بلکه تنها خواهان اینند که مدافعان کابل، سلاح‌های خود را به زمین بگذارند و راه را برای ورود طالبان به مشابیه نیروی بی‌طرفی که ضامن برقراری نظم و قانون است، باز کنند. در مقابل، برهان‌الدین ربانی، رئیس جمهوری که بیش از دو ماه اضافه بر مدت مسئولیت پیش‌بینی شده‌اش، ادعای زمامداری را حفظ کرده، اما تنها بر کابل حکومت می‌کند، می‌گوید تنها به یک شرط کناره‌گیری خواهد کرد، و آن اینکه طالبان در دولت موقتی که قرار است جانشین دولت فعلی شود، نقش مستقیمی بر عهده گیرند. در حالی که ربانی می‌گوید تنها در صورت شرکت طالبان در دولت انتقالی، گذار مسالمت‌آمیز را تضمین خواهد کرد، طالبان حاضر به ائتلاف با نیروهایی که از نظر آنها "جنا پیکار" نیستند. بیش از چند ماه نیست که طالبان به صحنه سیاست افغانستان وارد شده‌اند. در حوال آنها، هاله‌ای از یک وجهه "عیار" مانند ایجاد شده است. مردم افغانستان، چیز زیادی درباره طالبان نمی‌دانند، و تنها شنیده‌اند که آنان کمر همت به نجات افغانستان از هرج و مرج و ویرانی بسته‌اند. نحوه شکل‌گیری طالبان، موضوع شایعات بسیار است. گروه‌های رقیب، می‌گویند که پاکستان در حلقه طالبان را مسلح کرده و آموزش داده است. اگرچه اسلام‌آباد این اخبار را تکذیب می‌کند، اما سلاح‌های سنگین طالبان و مهارت آنها در کاربرد این سلاح‌ها، حاکی از این است که این گروه نمی‌تواند از کمک یک دولت خارجی بی‌بهره باشد. آنها که از عملکرد طالبان تمجید می‌کنند، بیش از آنکه حمایت

تکذیب کردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد روز هفتم اسفند ماه، نیروهای دولت ربانی در شمال غربی کابل مواضع حزب شیعه وحدت اسلامی را مورد حمله قرار دادند. طبق این گزارش، در این حمله حداقل ۹ نفر جان خود را از دست دادند. خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارش خود به نقل از منابع افغانی "نوشته هدف از حمله نیروهای ربانی به شیعیان، بسط حوزه نفوذ خود به منظور تدارک مقابله با حمله احتمالی طالبان به کابل بوده است. طالبان تهدید کرده‌اند در صورتی که نیروهای دولتی، سلاح‌های خود را به آنها تحویل ندهند، کابل را نیز تصرف خواهند نمود.

گفته می‌شود طالبان را دو گروه از ملایان سنی رهبری می‌کنند که یکی در قندهار و دیگری در شهر مرزی کوپت با پاکستان مستقر است. درباره انگیزه‌های پاکستان در حمایت از طالبان، از سوی برخی ناظران این ازبایی مطرح شده است که پاکستان اخیراً منفعت خود را در برقراری یک دولت باثبات در افغانستان دیده است و از این رو، تهران تجارز با جمهوری‌های آسیای میانه را از طریق راه‌های زمینی افغانستان گسترش دهد. مشاوران ربانی می‌گویند اسلام‌آباد نخست از حکمت با حمایت کرد اما هنگامی که پی‌برد حزب اسلامی قادر به در هم شکستن دولت ربانی نیست، به حمایت از گروهی جدید روی آورد. نظریه دیگری حاکی است بی‌ظنربوتو نخست وزیر پاکستان در مقابل به مخالفان خود در ارتش و سازمان امنیت پاکستان که به حکمت یار کمک می‌کنند، طالبان را تقویت کرده است. و بالاخره، تشریح روزنامه ایران ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد در تابستان امسال، طالبان نخست کامیون پول از پاکستان گرفته‌اند. پاکستان و طالبان، این گزارش‌ها را

امور افغانستان اظهار امیدواری کرد انتقال قدرت از برهان‌الدین ربانی رئیس جمهور فعلی که بنا بر روزاول اسفند انجام گیرد و به تعویق افتاد، در روزاول فروردین صورت پذیرد. به نظر می‌رسد موفقیت‌های طالبان، که یک نیروی افراطی سنی‌اند، جمهوری اسلامی را نسبت به آینده طرفداران خود در افغانستان نگران کرده است و از این رو، تهران به گفتگوهایی که شیعیان افغانستان در آن حضور ندارند، خوش بین نیست. اخیراً جمهوری اسلامی به دولت کابل اعتراض کرد که چرا برخی مواضع خود در کابل را در اختیار طالبان گذاشته تا آنها نیروهای شیعه را تحت فشار بیشتری قرار دهند. این اعتراض تهران از جانب کابل رد شد و دولت ربانی، جمهوری اسلامی را متهم به دخالت در امور داخلی افغانستان کرد. برخی روزنامه‌های جمهوری اسلامی می‌نویسند پاکستان از طالبان حمایت می‌کند. از جمله، روزنامه ایران ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد در تابستان امسال، طالبان نخست کامیون پول از پاکستان گرفته‌اند. پاکستان و طالبان، این گزارش‌ها را

طالبان پس از تصرف مقر حکمت یار در چهار آسیاب واقع در حومه کابل، در یک بیمارستان مصاحبه‌ای مطبوعاتی ترتیب دادند. خبرنگار روزنامه انگلیسی ایندپندنت از این مصاحبه گزارش می‌دهد که یکی از رهبران طالبان در این ملاقات حتی نگذاشت خبرنگاران از او عکس بگیرند و گفت در افغانستان آینده، جز برای گذرنامه گرفتن عکس ممنوع خواهد بود. موفقیت‌های نظامی طالبان، آینده تلاش‌های سازمان ملل برای تشکیل یک دولت موقت مورد پذیرش همه گروه‌های متخاصم را زیر سؤال برده است. رادیوی جمهوری اسلامی در تفسیری که روز سوم اسفند ماه پخش کرد ضمن پیش‌بینی درگیری بین شبه نظامیان موسوم به "طالبان" و نیروهای دولتی افغانستان، نسبت به چشم‌انداز موفقیت تلاش‌های سازمان ملل برای برقراری صلح در افغانستان ابراز بدبینی کرد. طالبان، موازنه قوا بین نیروهای درگیر در جنگ داخلی را برهم زده‌اند. علیرغم این تحولات، محمود مستیری نماینده ویژه سازمان ملل در